

دعا و درمان با کتاب و سنّت

تألیف:

سعید بن علی بن وهف قحطانی

به کوشش:

فاروق رستمی تبار

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam۴۱۱.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۳
مقدمه.....	۴
فضیلت دعا.....	۷
آداب دعا و اسباب اجابت.....	۸
اوقات و حالت‌ها و مکان‌هایی که دعا در آن‌ها اجابت می‌گردد.....	۹
دعاهایی از کتاب و سنت.....	۱۳
دعاهای مسنونه.....	۱۹
اهمیت معالجه با کتاب و سنت.....	۳۹
مقدمه.....	۳۹
۱- علاج سحر (جادو).....	۴۴
۲- علاج چشم‌زخم.....	۵۳
۳- علاج و آمیختگی جنی با انسان.....	۵۵
۴- معالجه بیماری‌های درونی.....	۵۶
۵- معالجه دمل و زخم.....	۶۰
۶- علاج و گرفتاری.....	۶۱
۷- درمان غصه و اندوه.....	۶۳
۸- درمان سختی و فشار.....	۶۴

-
- ۹- درمان و معالجه مریض برای خود ۶۵
- ۱۰- هر مسلمانی که به عیادت مریض برود ۶۵
- ۱۱- معالجه: اضطراب و هراس در خواب ۶۵
- ۱۲- معالجه تب ۶۵
- ۱۳- معالجه گزیدن و نیش زدن ۶۵
- ۱۴- معالجه غضب و خشم ۶۶
- ۱۵- معالجه با سیاه دانه ۶۶
- ۱۶- معالجه با غسل ۶۷
- ۱۷- معالجه با آب زمزم ۶۷
- ۱۸- مداوا و معالجه بیماری های قلب ۶۸
- بیماری های قلب دو نوع می باشد: ۶۹

پیشگفتار

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ.

«دعاء از کتاب و سنت» ترجمه است از بخش اول کتاب «الذِّكْرُ وَالِدُعَاءُ وَالْعِلَاجُ بِالرَّقَى مِنَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ» تألیف دکتر سعید بن علی بن وهف قحطانی، با این توضیح که قسمت دوم این کتاب، بنام «معالجه با نسخه قرآن و سنت» توسط ناصر مطلبی قولنجی در انتشارات حسینی اصل ارومیه به چاپ رسیده است.

جهت ترجمه کتاب فوق از منابع زیر استفاده شده است:

- ۱- قرآن کریم.
 - ۲- الحصن الحصین من کلام المرسلین «پناهگاه مؤمنین» از امام محمد بن محمد جزری رحمته، ترجمه و توضیح استاد مولانا محمد قاسم قاسمی، ناشر: شیخ الاسلام احمد جام.
 - ۳- حصن المسلم من أذکار الکتاب و السنة «پناهگاه مسلمان»، تألیف دکتر سعید بن علی بن وهف قحطانی، مترجم دکتر یونس یزدان پرست، ناشر: حرمین زاهدان.
- به امید این که کتاب مورد نظر بتواند مورد توجه دوستداران شریعت و سنت نبوی قرار بگیرد.
- ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۲۳].
- «پروردگارا! ما بر خویش ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشی و به ما رحمت و رأفت نفرمایی از ستمکاران شده ایم».

فاروق رستمی تبار

مقدمه

حمد و ستایش خاص خداوند است او را سپاس می‌گوییم و از او استعانت و استغفار می‌طلبیم، و از بدی‌های درون و زشتی‌های نهان به او پناه می‌بریم. هر که را خدایش هدایت کند او را گمراه‌کننده نیست و هر که او گمراهش کند او را هدایت‌گری نیست و گواهی می‌دهم که معبود به حقی جز خداوند نیست یگانه است و او را شریکی نیست و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول اوست. درود و سلام فراوان بر او و آل و یاران او باد.

اما بعد:

این خلاصه از کتابم «الذكر والدعاء والعلاج بالرقی» می‌باشد که بخش دعای آن را مختصر نمودم، تا بهره‌گیری از آن آسان گردد و دعاها و نکته‌های سودمند به آن اضافه نمودم، و خداوند را با اسماء نیک و صفات عالی‌اش فرا می‌خوانم که آن را محض رضای خود قرار دهد، و او ولی و بر آن قادر و تواناست.

درود و سلام خداوند بر پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله

مؤلف

سعید بن علی بن وهف القحطانی

در ماه شعبان ۱۴۰۸ هـ تحریر گردید

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۷۹].

«و خدا را نام‌هایی نیکوست، بخوانید خدا را به آن نام‌ها و آنان که در نام‌های خدا کفر و عناد می‌ورزند به خود واگذارید که به زودی به کردارشان مجازات خواهند شد».

و این اسماء (نام‌های) است که آمده:^(۱)

الله	الأعلى	البصير	القادر	الحليم	الشهيد
الأول	المتعال	العليم	المقتدر	العفو	الحفيظ
الأخر	العظيم	الخبير	القوي	الغفور	اللطيف
الظاهر	المجيد	الحميد	المتين	الغفار	القريب
الباطن	الكبير	العزیز	الغني	التواب	المجيب
العلي	السميع	القدير	الحكيم	الرقيب	الودود
الشاكر	الجبار	البر	الرؤوف	الرب	الخالق
الشكور	الحصيب	الوهاب	الفتاح	الملك	الخالق
السيد	الهادي	الرحمن	الرازق	المليك	الباري
الصمد	الحكم	الرحيم	الرزاق	الواحد	المصور
القاهر	القدوس	الكريم	الحي	الأحد	المؤمن
القهار	السلام	الأكرم	القيوم	المتكبر	المهيمن
المحيط	الجميل	الباسط	الولي		
المقيت	الرفيق	المعطي	المولي		

۱- نگاه کنید به این أسماء و صفات که در کتاب و سنت در شرح أسماء الله الحسنی فی ضوء الكتاب والسنة از مؤلف.

الوكيل الكافي الواسع الحق	الحيي الستير الإله القابض	المقدم المؤخر المبين المنان	النصير الشافي مالك الملك جامع الناس	نور السموات والأرض ذوالجلال والإكرام بديع السموات والأرض
------------------------------------	------------------------------------	--------------------------------------	---	--

فضیلت دعا

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰].

«و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، آنان که از عبادت من تکبر می‌ورزند، (و خود را بزرگ‌تر از آن می‌دانند که مرا به فریاد خوانند) به زودی خوار و رسوا به دوزخ درآیند».

و می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۶].

«و هنگامی که بندگانم از تو در باره من بپرسند من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، پاسخ می‌گویم، پس آنان هم دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه را یابند».

و پیامبر ﷺ می‌فرماید:

﴿الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ﴾ ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غافر: ۶۰].

«دعا عین عبادت است». «پروردگار شما فرموده است: بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را»^۱.

و در روایت دیگری می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكُمْ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَيٌّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي مِنْ عَبْدِهِ إِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَيْهِ أَنْ يَرُدَّهُمَا صِفْرًا».

۱- ابوداود، ۸۷/۲ و ترمذی، ۲۱۱/۵ و ابن ماجه، ۱۳۵۸/۲، نکا: الجامع الصغير، ۱۵۰/۲، و ابن ماجه،

«پروردگار بلند مرتبه شما زنده و والاست. هرگاه بنده‌اش دستانش را به سوی او دراز کند شرم می‌دارد آن‌ها را خالی باز گرداند». و پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُو بِدَعْوَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِيْمٌ وَلَا قَطِيعَةٌ رَحِمَ، إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِهَا إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا أَنْ تُعَجَّلَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَإِمَّا أَنْ يَدْخَرَهَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ، وَإِمَّا أَنْ يَصْرِفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا» قَالُوا: إِذَا نُكْثِرُ؟ قَالَ: «اللَّهُ أَكْثَرُ».

«هیچ مسلمانی خداوند را فرا نمی‌خواند با فراخوانی که در آن گناه و قطع صله رحم نباشد مگر اینکه خداوند با فراخوانی وی یکی از سه چیز را به وی عطاء نماید؛ یا اینکه در استجاب دعا وی شتاب نماید و یا آن را برای وی در آخرت ذخیره کند، و یا اینکه بدی و شری همچون خواسته او را از وی باز دارد، صحابه گفتند: پس ما بیشتر دعا می‌نماییم. پیامبر ﷺ فرمود: خداوند بیشتر است»^۱.

آداب دعا و اسباب اجابت

- ۱- اخلاص برای خداوند.
- ۲- دعا با حمد و ستایش خداوند آغاز گردد سپس با درود بر پیامبر ﷺ و ختم آن با درود بر او.
- ۳- قاطعیت در دعا و باور یقینی به اجابت آن.
- ۴- اصرارورزی در دعا و عدم شتاب.
- ۵- حضور قلب در دعا.
- ۶- دعا در آسایش و سختی.
- ۷- تنها از خداوند درخواست کردن.
- ۸- پایین آوردن صدا در هنگام دعا به طوری که بین پایین بودن و بالا بودن باشد.
- ۹- اعتراف به گناه و طلب استغفار از آن و اعتراف به نعمت و شکرگذاری بر آن.

۱- ترمذی، ۵۶۶/۵ و ۴۶۲/۵ و احمد ۱۸/۳، نگاه: صحیح الجامع، ۱۱۶/۵، و ترمذی، ۱۴۰/۳.

- ۱۰- عدم تکلف در آوردن کلمات موزون در دعا.
- ۱۱- دعا کردن با خشوع و زاری و امید و ترس.
- ۱۲- برگرداندن اموال و دارایی غصب شده به صاحبانش همراه با توبه.
- ۱۳- سه بار دعا کردن.
- ۱۴- رو به قبله بودن.
- ۱۵- بلند کردن دست‌ها در دعا.
- ۱۶- وضوء داشتن هنگام دعا در صورت امکان آن.
- ۱۷- عدم تجاوز و تعدی در دعا.
- ۱۸- هرگاه دعا کننده برای دیگری دعا نمود دعا را برای خود شروع نماید.
- ۱۹- با اسماء حسنی و صفات عالیّه خداوند و یا با کردار نیکی که خود به آن پرداخته است و یا با دعای مرد صالح زنده که پیش او حضور دارد به خداوند متوسل شود.
- ۲۰- خوراک، نوشیدنی، و پوشش او از حلال باشد.
- ۲۱- به گناه و یا قطع صله رحم دعا نکند.
- ۲۲- امر به معروف و نهی از منکر نماید.
- ۲۳- دوری جستن از همه گناهان.
- ۲۴- دوری جستن از بد دعای بر خانواده، مال، فرزند و نفس خود.

اوقات و حالت‌ها و مکان‌هایی که دعا در آن‌ها اجابت می‌گردد^۱

- ۱- شب قدر
- ۲- در دل شب
- ۳- بعد از نمازهای فرض
- ۴- میان اذان و اقامه

۱- به اصل کتاب مراجعه شود، ص ۱۰۱-۱۱۸.

- ۵- ساعتی از هر شب
- ۶- هنگام اذان برای نمازهای فرض
- ۷- هنگام باریدن باران
- ۸- هنگام آماده شدن برای جهاد در راه خداوند
- ۹- ساعتی از روز جمعه
- ۱۰- و ارجح‌ترین اقوال در مورد اوقات اجابت دعا، آخرین ساعت از ساعت‌های عصر روز جمعه و چه بسا هنگام خطبه و نماز باشد.
- ۱۱- هنگام نوشیدن آب زمزم با نیت پاک
- ۱۲- در سجده
- ۱۳- هنگام بیدار شدن در شب با دعای مأثور در این مورد
- ۱۴- با داشتن وضو بخوابد سپس پاسی از شب بیدار گردد و دعا کند.
- ۱۵- دعا نمودن با دعای: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۷] «هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم».
- ۱۶- دعا بعد از ستایش خداوند و درود بر پیامبر ﷺ در تشهد اخیر در نماز
- ۱۷- فراخواندن خداوند به اسم اعظم او که هرگاه به آن فراخوانده شود اجابت کند و هرگاه به آن از او درخواست شود عطا نماید^۱.
- ۱۸- دعای مسلمان برای برادر مسلمانش در غیاب وی
- ۱۹- دعای روز عرفه در عرفه (مکه)
- ۲۰- دعا در ماه رمضان
- ۲۱- هنگام اجتماع مسلمانان در مجالس ذکر خداوند

۱- به اسم اعظم خداوند در حدیث شماره ۹۴، ۹۵ و ۹۶ از این کتاب نگاه شود.

۲۲- هنگام دعا کردن در مصیبت و گرفتاری، با این جمله‌ها: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجِرْنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا»^(۱).

۲۳- دعا در حالت روی آوری قلب بر خداوند و فزونی یافتن اخلاص.

۲۴- دعای مظلوم بر علیه آنکه به او ظلم کرده است.

۲۵- دعای پدر برای فرزند و بر علیه فرزندش

۲۶- دعای مسافر

۲۷- دعای روزه‌دار تا هنگامی که افطار می‌کند

۲۸- دعای روزه‌دار هنگام افطار

۲۹- دعای نیازمند

۳۰- دعای امام عادل

۳۱- دعای فرزند نیکوکار برای والدینش

۳۲- دعا بعد از وضو گرفتن با دعای مأثور درباره وضو

۳۳- دعا بعد از رمی جمره (حج) کوچک

۳۴- دعا بعد از رمی جمره میانه

۳۵- دعا در درون کعبه و هر کسی در داخل حجر دعا و نماز خواند آن هم جزء بیت است.

۳۶- دعا کردن بر روی کوه صفا

۳۷- دعا بر روی کوه مروه

۳۸- دعا در مشعرالحرام

۱- ترجمه: بدون تردید ما از آن الله هستیم و بازگشت همه‌ی ما بسوی اوست. الهی! مرا در مقابل مصیبت، پاداش ده، و در عوض آن چیز بهتری به من عنایت فرما.

و فرد مؤمن هر کجا باشد پروردگار خویش را فرا می‌خواند همچنان‌که قرآن می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ [البقرة: ۱۸۶].

«هرگاه بندگانم از تو در مورد من پرسند من نزدیکم و دعای دعاکننده را هرگاه مرا بخواند پاسخ می‌گویم»

ولیکن این اوقات و احوال و اماکن به عنایت بیشتری متمایز گشته‌اند.

دعاهایی از کتاب و سنت

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ٢٣]
«پروردگارا! ما به خود ستم کردیم، و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نکنی، مسلماً از زیان کاران خواهیم بود».

﴿رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [هود: ٤٧].

«پروردگارا! همانا من به تو پناه می‌برم، که از توجیزی بخواهم که به آن علم ندارم، و اگر مرا نبخشی و بر من رحم نکنی، از زیان کاران خواهم بود».

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ [نوح: ٢٨]
«پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و هرآن کس که با ایمان وارد خانه من شود، و (تمام مردان مؤمن و زنان مؤمن را بیمارز».

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [٢٧] رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ١٢٧، ١٢٨].
«پروردگارا! از ما بپذیر، همانا که تویی شنوای دانا. * پروردگارا! ما را فرمان‌بردار خودت قرار ده، و از فرزندانمان امتی فرمان‌بردار خود (پدید آور) و طرز عبادت‌مان را به ما نشان ده، و توبه ما را بپذیر، بدرستی که تو توبه‌پذیر مهربانی».

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ [٤٠] رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ [ابراهيم: ٤٠، ٤١].

«پروردگارا! مرا بر پا دارنده نماز قرار ده، و از فرزندانم (چنین فرما)، پروردگارا! و دعای مرا بپذیر! * پروردگارا! مرا و پدر و مادر مرا، و مؤمنان را (در) روزی که حساب بر پا می‌شود بیمارز».

﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ [الشعراء : ۸۳].

«پروردگارا! به من (دانش و) حکمت ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن.»

﴿وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ﴾ [الشعراء : ۸۵].

«و مرا از وارثان بهشت پر نعمت بگردان.»

﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ﴾ [الشعراء : ۸۷].

«و در روزی که همه مردم بر انگیزته می شوند مرا رسوا و شرمنده مکن.»

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [الصفات : ۱۰۰].

«پروردگارا! به من (فرزندی) از صالحان عطا فرما.»

﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [المتحنة : ۴].

«پروردگارا! بر تو توکل کردیم، و به سوی تو روی آوردیم، و بازگشت (همه) به سوی توست.»

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [المتحنة : ۵].

«پروردگارا! ما را دستخوش (فتنه) کافران قرار مده، و ما را بیمارز ای پروردگار ما! بی گمان تو پیروزمند حکیمی.»

﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ

وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ [النمل : ۱۹].

«پروردگارا! به من توفیق ده تا شکر نعمت‌هایی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته بجای آورم، و (توفیق عطا فرما تا) کار (های) شایسته که تو خوشنود شوی، انجام دهم، و مرا به رحمت خود در (زمره) بندگان صالحت در آور.»

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ [آل عمران : ۳۸].

«پروردگارا! از طرف خود فرزند پاکیزه به من عطا کن، به درستی توشنونده دعایی.»

﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ [الأنبياء : ۸۹].

«پروردگارا! مرا تنها مگذار، و تو بهترین وارثانی.»

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۷].

«پروردگارا! هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی گمان من از ستمکاران بودم».

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ [طه: ۲۵، ۲۶، ۲۷].

«(موسی) گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را برایم بگشا. و کارم را برایم آسان گردان. و گره از زبانم باز کن. تا سخنانم را بفهمند».

﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ [القصص: ۱۶].

«پروردگارا! من به خود ستم کردم، پس مرا ببخش».

﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ [آل عمران: ۵۳].

«پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای، ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم؛ پس ما را از زمره گواهان بنویس».

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾﴾

[یونس: ۸۵، ۸۶].

«پروردگارا! ما را دستخوش فتنه گروه ستمگر قرار نده، * و به رحمت ما را از (شر) گروه کافران نجات بده».

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾﴾

[آل عمران: ۱۴۷].

«پروردگارا! گناهان ما را ببامرز، و از زیاده روی ما، در کارمان (بر ما ببامرز) و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران، پیروز گردان».

﴿رَبَّنَا عَاتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١٠﴾﴾ [الکهف: ۱۰].

«پروردگارا! ما را از سوی خود رحمتی عطا کن، و راه نجاتی بر ایمان ما فراهم ساز».

﴿رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾﴾

[المؤمنون: ۹۷، ۹۸].

«پروردگارا! من از وسوسه‌های شیطان به تو پناه می‌برم، * و پروردگارا! از اینکه آنان نزد من حاضر شوند، به تو پناه می‌برم».

﴿رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۸].

«پروردگارا! ببخش و رحم کن! و تو بهترین رحم‌کنندگانی».

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱]

«پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت (نیز) نیکی (عطا فرما) و ما را از عذاب آتش نگه دار».

﴿سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [البقرة: ۲۸۵].

«شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را (خواهانیم) و بازگشت به سوی توست».

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۸۶].

«پروردگارا! اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه نکن، پروردگارا! بارگران (و تکلیف سنگین) را بر (دوش) ما مگذار، چنانکه آن را بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند؛ گذاشتی، پروردگارا! آنچه را که طاقت تحمل آن را نداریم بر (دوش) ما مگذار، و ما را بیامرز و به ما رحم فرمای. تو مولا و سرور مایی پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان».

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ [آل عمران: ۸]

«پروردگارا! دل‌های ما را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان، و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش برآستی که تو بخشنده‌ای».

﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [۱۹۱] ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مِنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [۱۹۲] ﴿رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ ءَأَمْنًا رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ﴾ [۱۹۳]

رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾
[ال عمران: ۱۹۱، ۱۹۴].

«پروردگارا این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای، منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش (دوزخ) نگاه دار. * پروردگارا! کسی را که تو به آتش (دوزخ) در آوری، یقیناً او را خوار و رسوا کرده‌ای، و برای ستمکاران یاورانی نیست. * پروردگارا! ما شنیدیم که ندا دهنده به ایمان فرا می‌خواند، که: «به پروردگار خود ایمان بیاورید» پس ایمان آوردیم، پروردگارا! پس گناهان ما را ببخش، و بدی‌های ما را بپوشان، و ما را با نیکان بمیران. * پروردگارا! آنچه را که بر (زبان) فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن، و ما را در روز قیامت رسوا مگردان، بدرستی که تو خلاف وعده نمی‌کنی».

﴿رَبَّنَا ءَامِنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۹].
«پروردگارا! (ما) ایمان آوردیم، پس ما را ببخش و بر ما رحم کن، و تو بهترین رحم‌کنندگان».

﴿رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا﴾ [الفرقان: ۶۵، ۶۶].
«پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف کن، بی‌تردید عذابش (سخت و) پایدار است. (۶۵) بی‌گمان آن (جهنم) بد قرارگاه و (بد) اقامت‌گاهی است».

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: ۷۴].
«پروردگارا! از همسران‌مان، و فرزندان‌مان مایهٔ روشنی چشم به ما عطا فرما، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا قرار بده».

﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأحقاف: ۱۵].
«پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم و کار شایستهٔ انجام دهم که تو از آن خشنود شوی، و فرزندانم را صالح گردان، بی‌گمان من به سوی تو بازگشتم (و توبه نمودم)، و بی‌شک من از مسلمانانم».

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«پروردگارا! ما را و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌های مان کینه نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو رؤوف و مهربانی».

﴿رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [التحریم: ۸].

«پروردگارا! نور ما را به تمام (و کمال) برسان، و ما را بیامرز بی‌گمان تو بر هرچیز توانایی».

﴿رَبَّنَا إِنَّا ءَامِنًا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَفِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [آل عمران: ۱۶].

«پروردگارا! به راستی ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را بیامرز، و ما را از عذاب آتش نگاه دار».

﴿رَبَّنَا ءَامِنًا فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ [المائدة: ۸۳].

«پروردگارا! ایمان آوردیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس».

﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ إِلَّا ضَنَامَ﴾ [ابراهیم: ۳۵].

«پروردگارا! این شهر (مکه) را مکان امن قرار بده، و مرا و فرزندانم را از آنکه بت‌ها را پرستش کنیم دور بدار».

﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ [القصص: ۲۴].

«پروردگارا! من هر چیزی که بر من بفرستی نیازمند هستم».

﴿رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ﴾ [العنکبوت: ۳۰].

«پروردگارا! مرا بر قوم مفسدان یاری فرما».

﴿حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ [التوبة: ۱۲۹].

«الله برای من کافی است، هیچ معبودی (به حق) جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش عظیم است».

﴿عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ [القصص: ۲۲].

«امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند».

﴿رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۲۱].

«پروردگارا! مرا از قوم ستمکار نجات بده».

دعاهای مسنونہ

- ۱- ((اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ)).
«خداایا! در دنیا و در آخرت به ما حسنه و نیکی عطا کن و مرا از عذاب آتش نجات ده»^۱.
- ۲- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْغَيِّ، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْفَقْرِ)).
«خداایا! به تو پناه می‌برم از فتنه جهنم و عذاب جهنم، فتنه قبر، و عذاب قبر، و شرّ فتنه ثروتمندی، و شرّ فتنه فقر».
- ۳- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْ قَلْبِي بِمَاءِ الثَّلْجِ وَالْبَرْدِ، وَنَقِّ قَلْبِي مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَبَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ)).
«خداایا! از شرّ فتنه دجال به تو پناه می‌جویم، خداایا درونم را با آب برف و تگرگ شستشو ده، و همچنان‌که لباس و پارچه سفید را از آلودگی پاک نموده‌ای درونم را نیز از خطایا پاک کن، همانطور که میان مشرق و مغرب فاصله ایجاد کرده‌ای میان من و خطاهایم نیز دوری و فاصله به وجود آور. خداایا! من از کسالت و گناه و زیان به تو پناه می‌برم»^۲.
- ۴- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْهَرَمِ، وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ».

۱- بخاری، ۱۶۳/۷ و مسلم ۲۰۷۰/۴.

۲- بخاری، ۵۹/۷ و مسلم ۲۰۷۷۴.

«خدایا من از ناتوانی و ضعف و ترسویی و پیری و بخل‌ورزی به تو پناه می‌برم و از عذاب قبر و از فتنه و امتحان زنده شدن و مردن به تو پناه می‌آورم»^۱.

۵- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ)).

«خدایا! من از فشار مصیبت و رسیدن به شقاوت و بدبختی و عاقبت شری و کینه‌توزی دشمنان به تو پناه می‌آورم».

۶- ((اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ)).

«خدایا! دینم را که سبب لغزش‌ناپذیری در زندگی است و دنیایم را که معیشتم در آن است اصلاح کن و آخرتم را که معادم در آن قرار گرفته است اصلاح کن، و زندگی و حیاتم را در تمام خیر و نیکی افزایش ده و مرگ را برایم از هر شرّ و سختی دیگر آسان‌تر کن»^۲.

۷- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى، وَالتَّقَى، وَالْعَفَافَ، وَالْغِنَى)).

«خدایا! هدایت و پرهیزگاری و عفت و بی‌نیازی را از تو می‌طلبم»^۳.

۸- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ، وَالْهَرَمِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَزَكَّهَا أَنْتَ خَيْرٌ مِنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا)).

«خدایا! از ضعف و کسالت و ترسویی و بخل‌ورزی و پیری و عذاب قبر به تو پناه می‌برم، خدایا! تقوای لازم را به نفسم عطا بخش، و آن را تزکیه و پرورش ده تو بهترین

۱- بخاری، ۱۵۵/۷ و مسلم ۲۰۸۰/۴.

۲- مسلم، ۲۰۸۷/۴.

۳- مسلم، ۲۰۸۷/۴.

کسی هستی که آن را پاک و تزکیه می‌نمائی، تو سرپرست و صاحب آن می‌باشی خدایا من از علم بی‌سود و فایده و از قلب بی‌خشوع و از نفس سیرناپذیر و دعای بی‌جواب به تو پناه می‌آورم»^۱.

۹- ((اللَّهُمَّ اهْدِنِي وَسَدِّدْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالسَّادَاتِ)).

«خدایا! مرا هدایت و محکم کن، خدایا! هدایت و استحکام را از تو می‌طلبم»^۲.

۱۰- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ، وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ)).

«خدایا! از زایل شدن نعمت تو و از بین رفتن تندرستی تو، و ناگاه گرفتن عذابت و تمام خشم‌هایت به تو پناه می‌آورم».

۱۱- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ، وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ أَعْمَلْ)).

«خدایا از شر آنچه انجام داده‌ام و از شر آنچه را که انجام نداده‌ام به تو پناه می‌جویم»^۳.

۱۲- ((اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالِي، وَوَلَدِي، وَبَارِكْ لِي فِيْمَا أَعْطَيْتَنِي)) ((وَأُطِلْ حَيَاتِي عَلَى طَاعَتِكَ، وَأُحْسِنْ عَمَلِي، وَاعْفِرْ لِي)).

«خدایا به مال و فرزندم فزونی بخش و در آنچه که به من داده‌ای برکت قرار ده^۴ و حیاتم را بر طاعت خود طولانی کن و کردارم را نیک گردان و مرا ببخشای»^۵.

۱۳- ((لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ)).

«نیست معبودی به حقی جز خداوند جلیل و بردبار هیچ معبود به حق جز خداوند پروردگار عرش عظیم نیست هیچ معبودی جز خداوند پروردگار آسمان‌ها و پروردگار

۱- مسلم ۴ / ۲۰۸۸

۲- مسلم ۴ / ۲۰۹۰

۳- مسلم، ۴ / ۲۰۹۷

۴- بخاری، ۷ / ۱۵۴ و مسلم، ۴ / ۱۹۲۸

۵- بخاری، ۷ / ۱۵۴ و مسلم، ۴ / ۲۰۹۲

زمین و پروردگار عرش بلندمرتبه نیست»^۱.

۱۴- ((اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ)).

«خدایا رحمت تو را می‌خواهم لحظه‌ی مرا به نفسم واگذار مکن و تمام حالاتم را اصلاح کن معبود به حق جز تو نیست».

۱۵- ((لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)).

«هیچ معبود به حق جز تو نیست پاک و منزهی من از ستم‌کنندگانم».

۱۶- ((اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَا ضِيقُ حُكْمِكَ، عَدْلُ فِي قَضَائِكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَتْ بِهِ نَفْسُكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رِيبَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي)).

«خدایا! من بنده‌ی تو و پسر بنده‌ی تو و پسر کنیز تو می‌باشم. تحت سلطه و قدرت تو می‌باشم. حکم تو در مورد من قطعی است، و قضاوتت درباره‌ی من عادلانه است و تو را با هر نامی که خود را به آن خوانده‌ای و یا در کتاب خود نازل فرموده‌ای یا آن را به هر کسی از مخلوق خود یاد داده‌ای و یا هر نامی که در علم غیب برای خود اختصاص داده‌ای درخواست و طلب می‌نمایم اینکه قرآن را بهار درون و نور سینه‌ام و بیرون راندن اندوه و بردن رنج و غصه‌ام قرار دهی»^۲.

۱۷- ((اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا عَلَى طَاعَتِكَ)).

«خدایا! ای دگرگون‌کننده‌ی دلها! قلب‌های ما را بر طاعت خود دگرگون فرما»^۳.

۱۸- ((يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ)).

«ای دگرگون‌کننده‌ی دلها! قلبم را بر دینت استوار نما»^۱.

۱- ابوداود، ۲۲۴/۴، و احمد، ۴۳۱، و آل‌بانی آن را حسن دانسته است.

۲- احمد، ۳۹۱/۱، ۴۵۲ و حاکم، ۵۰۹/۱.

۳- مسلم، ۲۰۴۵/۴.

۱۹- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ)).

«پروردگارا! تندرستی در دنیا و آخرت را از تو می‌خواهم».

۲۰- ((اللَّهُمَّ أَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، وَأَجِرْنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ)).

«خدایا! فرجام تمام کارهایمان را نیک گردان، و از خواری دنیا و عذاب آخرت مرا دور

بدار».

۲۱- ((رَبِّ أَعِنِّي وَلَا تُعِنِّ عَنِّي، وَانْصُرْنِي وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ، وَامْكُرْ لِي وَلَا تَمْكُرْ عَلَيَّ،

وَاهْدِنِي وَيَسِّرْ الْهُدَى إِلَيَّ، وَانْصُرْنِي عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيَّ، رَبِّ اجْعَلْنِي لَكَ شَكَارًا، لَكَ

ذَكَارًا، لَكَ رَهَابًا، لَكَ مِطْوَاءًا، إِلَيْكَ مُحِبًّا أَوْهَا مُنِيبًا، رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَاغْسِلْ

حَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَثَبِّتْ حُجَّتِي، وَاهْدِ قَلْبِي، وَسَدِّدْ لِسَانِي، وَأَسْأَلُ سَخِيمَةَ

قَلْبِي)).

«پروردگار من، مرا یاری نما و بر علیه من یاری و کمک نفرما و مرا پیروز گردان و بر

من پیروز مگردان، برای من چاره کن و بر علیه من حيله نکن. و مرا هدایت ده و

هدایت را به سوی من هموار کن، و مرا بر آن که بر من تجاوز کرده است پیروز گردان

و پروردگارا مرا برای خود بسی شکرگزار و بسی ذاکر و بسی ترسان و بسی

اطاعت کننده قرار ده، و به سوی تو فروتن و نالان و رجوع کننده باشم، پروردگار من!

توبه‌ام را بپذیر، لغزش و گناه‌ام را بشوی، و دعایم را اجابت کن، و حجت‌م را استوار و

محکم نما، و قلب‌م را هدایت کن، زبان‌م را هدایت کن، دوده و کینه درون‌م را بیرون

بیار»^۲.

۲۲- ((اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ ﷺ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا

اسْتَعَاذَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ ﷺ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَعَلَيْكَ الْبَلَاءُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

بِاللَّهِ)).

۱- ترمذی، ۵۳۸/۵ و احمد، ۱۸۲/۴ و حاکم، ۵۲۵/۱ و ۵۲۸ و صحیح الجامع، ۳۰۹/۶، و ترمذی، ۱۷۱/۳.

۲- ابوداود، ۸۳/۲ و ترمذی، ۵۵۴/۵ و ابن ماجه، ۱۲۵۹/۲، و حاکم آن را صحیح دانسته و ذهبی نیز با آن

موافق بوده و به صحیح الترمذی، ۱۷۸/۳ مراجعه شود و احمد، ۱۲۷/۱.

«خدایا! ما از خیر آنچه که پیامبرت محمد ﷺ از تو خواسته است درخواست می‌نمائیم، از شر آنچه که پیامبرت محمد ﷺ به تو پناه جسته است پناه می‌جوییم، و تو کسی هستی که از تو استعانت می‌کنند، هیچ قدرتی بالاتر از قدرت خدا نیست».

۲۳- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ سَمْعِي، وَمِنْ شَرِّ بَصَرِي، وَمِنْ شَرِّ لِسَانِي، وَمِنْ شَرِّ قَلْبِي، وَمِنْ شَرِّ مَنِيِّ)).

«خدایا! از شر گوش، چشم، زبان، قلب، خواسته و سرنوشتم به تو پناه می‌برم».

۲۴- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجُذَامِ، وَمِنْ سَيِّئِ الْأَسْقَامِ)).

«خدایا! از دچار شدن به بیماری برص (پیسی) و دیوانگی و جذام (خوره) و از بیماری‌های پلید به تو پناه می‌برم».

۲۵- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَعْمَالِ، وَالْأَهْوَاءِ)).

«خدایا! از اخلاق و کردار و آرزوهای ناپسند به تو پناه می‌جوییم».

۲۶- ((اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ كَرِيمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي)).

«خدایا! بی‌گمان تو بسی بخشنده و بلندمرتبه‌ای عفو و بخشش را دوست می‌داری پس مرا عفو کن»^۱

۲۷- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ، وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ، وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي، وَتَرْحَمَنِي، وَإِذَا أَرَدْتَ فِتْنَةً قَوْمٍ فَتَوَفَّنِي غَيْرَ مَفْتُونٍ، وَأَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ)).

«خدایا! انجام نیکی‌ها و ترک ناروایی‌ها و دوستی بی‌نویان را از تو در خواست می‌نمایم. و از تو می‌خواهم که مرا ببخشید و به من رحم نمائید و هرگاه اراده عذاب و ضلالت قومی را نمودی مرا بدون عذاب و محنت بمیران، عشق و علاقه به تو و حب آنکه تو را دوست می‌دارد و عشق به کرداری که مرا به سوی دوستی تو نزدیک گرداند از تو خواستارم»^۲.

۱- ترمذی، ۵۳۴/۵، تحقیق ابراهیم عطوه، چاپ‌خانه مصطفی الیابی.

۲- احمد، ۲۴۳/۵ و ترمذی، ۳۶۵/۵.

۲۸- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ: عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ [مَا اسْتَعَاذَ بِكَ] [مِنْهُ] عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ، وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ كُلَّ قَضَاءٍ قَضَيْتَهُ لِي خَيْرًا)).

«خدایا! تمام خیر دنیا و آخرت آنچه را از آن آگاهم و آنچه را که از آن آگاه نیستم از تو خواهانم. و از شر دنیا و آخرت و آنچه که از آن آگاهی یافته و یا آگاهی نیافته‌ام به تو پناه می‌برم. خدایا! از خیر آنچه بنده و پیامبرت محمد ﷺ از تو جسته است را خواهانم، و از شر آنچه که پیامبرت محمد ﷺ از آن به تو پناه جسته است، پناه می‌آورم. خدایا! بهشت و گفتار و کردارهایی که بدان «مرا به تو» نزدیک می‌کند را خواستارم و از آتش و گفتار و کرداری که بدان «مرا به جهنم» نزدیک می‌نماید به تو پناه می‌برم، و از تو تقدیر و سرنوشت خیر و نیکی را خواهانم»^۱.

۲۹- ((اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِالإِسْلَامِ قَائِمًا، وَاحْفَظْنِي بِالإِسْلَامِ قَاعِدًا، وَاحْفَظْنِي بِالإِسْلَامِ رَاقِدًا، وَلَا تُشِمِّتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ)).

«خدایا! در حالت ایستاده و نشسته و خوابیده مرا با اسلام حفظ نما و دشمن و حسود را به من شاد و مسرور نگردان. خدایا! تمام خیرها را که خزانه آن در دست توست از تو می‌طلبم و از شرهایی که خزائن آن در دست توست پناه می‌برم»^۲.

۳۰- ((اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا تَحُولُ بِهِ بَيْنَنَا وَمَعَاصِيكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ، وَمِنْ الْيَقِينِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ مَتَّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُوَاتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَأْرَنَا عَلَى مَنْ

۱- ابن ماجه، ۱۲۶۴/۲ و احمد ۱۳۴/۶، ذهبی، ۵۲۱/۱، ابن ماجه، ۳۲۷/۲.

۲- حاکم، ۵۲۵/۱، صحیح الجامع، ۳۹۸/۲ والأحادیث الصحیحة، ۵۴/۴، شماره ۱۵۴۰.

ظَلَمْنَا، وَأَنْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا)).

«خدایا! از حیث خود آنچه که ما را از گناه و معاصی تو باز می‌گرداند و از یقین آنچه که با آن گرفتاری‌های دنیا بر ما سبک آید، و از طاعت آنچه که ما را به بهشت تو نایل گرداند نصیب‌مان فرما، خدایا! تا وقتی که ما را زنده نگه‌داشته‌ای ما را از گوش و چشم و توانایی‌های مان برخوردار کن، انتقام ما را بر کسی که به ما ستم نموده قرار ده و ما را بر کسی که با ما عداوت و دشمنی نموده و گرفتاری‌مان را در دین‌مان قرار نده، دنیا را بزرگ‌ترین هدف و دغدغه ما قرار نده. کسی را که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلط مگردان»^۱.

۳۱- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْقَبْرِ)) ((اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَجَهْلِي، وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي هَزْلِي، وَجِدِّي، وَخَطِيئِي، وَعَمْدِي، وَكُلُّ ذَلِكَ عِنْدِي)).

«خداوند! از ترسویی به تو پناه می‌برم و از بخل به تو پناه می‌برم و از پیری به تو پناه می‌جویم و از فتنه دنیا و عذاب قبر به تو پناه می‌برم^۲. خدایا! گناه عمدی، نادانی و زیاده‌روی در گناه و آنچه که تو از من به آن آگاه‌تری مورد بخشش قرار ده. خداوند! گناهی را که با شوخی و جدی و اشتباهی و عمدی از من سر زده است و تمام گناهانی که دارم برای من ببخشای»^۳.

۳۲- ((اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ)).

۱- ترمذی، ۵۲۸/۵، حاکم، ۲۵۸/۱، ابن سنی، شماره ۴۴۶.

۲- بخاری، با فتح الباری، ۱۸۱/۱۱.

۳- بخاری، با فتح الباری، ۱۹۶/۱۱.

«خدایا! ظلم و ستم فراوانی به خود کرده‌ام جز تو کسی گناهان را نمی‌بخشد از مغفرت خود مرا مورد بخشش قرار ده و به من رحم کن. بی‌گمان تو بسی بخشنده و مهربان هستی»^۱.

۳۳- ((اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنَبْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُضِلَّنِي، أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَيُّ وَالْإِنْسُ يَمُوتُونَ)).

«خدایا! برای تو سر تسلیم فرود آوردم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل نمودم و به سوی تو برگشتم و به تو اقامه دعوی نموده‌ام، خدایا! از این‌که مرا گمراه گردانی پناه می‌برم قسم به عظمت هیچ معبود به حق نیست جز تو، تو زنده هستی که نمی‌میرد و جن و انس می‌میرند».

۳۴- ((اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالتَّجَاةَ مِنَ النَّارِ)).

«خدایا! ما موجبات رحمت را و اراده غفران و دوری و سلامت از هر گناهی و بهره بردن از هر نیکی و دستیابی به بهشت و نجات از آتش جهنم را از تو طلب می‌کنیم»^۲.

۳۵- «اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ عِنْدَ كِبَرِ سِنِيَّ وَانْقِطَاعِ عُمْرِي».

«خدایا! فراوان‌ترین روزی‌ات را هنگام پیری و خاتمه‌یافتن عمرم بر من قرار ده»^۳.

۳۶- ((اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَوَسِّعْ لِي دَارِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي)).

«خدایا! گناهم را ببخش، و سرایم را وسعت بخش، و در روزیم برکت قرار ده»^۴.

۳۷- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ؛ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا إِلَّا أَنْتَ)).

«خدایا! از فضل و رحمت از تو می‌طلبم جز تو کسی بر آن مالک نیست».

۱- بخاری، ۳۰۴/۱، و مسلم، ۲۰۷۸/۴.

۲- حاکم، ۵۲۵/۱، اذکار نووی، ص ۳۴۰.

۳- حاکم، ۵۲۴/۱، صحیح الجامع ۳۶۹۱/۱، الأحادیث الصحيحة ۱۵۳۹.

۴- احمد، ۳۷۵/۵۹۶۳، نکا: صحیح الجامع، ۳۹۹/۱.

۳۸- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَرَمِ، وَالتَّرَدِّي، وَالْهَدْمِ، وَالْعَمِّ، وَالْعَرَقِ، وَالْحَرَقِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَتَخَبَّطَنِي الشَّيْطَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ فِي سَبِيلِكَ مُدْبِرًا، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ لَدِيْعًا)).

«خدایا! از لغزیدن و هلاک شدن و غرق شدن و سوزاندن به تو پناه می‌آورم، و از اینکه شیطان هنگام مرگ سرگردانم کند به تو پناه می‌آورم و از اینکه در راه تو با حالت پشت‌کننده و برگرداننده بمیرم به تو پناه می‌آورم و از اینکه هنگام مرگ با حالت رنجانده و گزیده بمیرم به تو پناه می‌جویم».

۳۹- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ؛ فَإِنَّهُ يَبْسُ الصَّجِيعُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ؛ فَإِنَّهَا يَبْسُ الْبِطَانَةُ)).

«خدایا! از گرسنگی به تو پناه می‌آورم، بی‌شک او همبستر ناشایست و بدی است و از خیانت به تو پناه می‌آورم همانا آن جامه بدی است».

۴۰- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ، وَالْهَرَمِ، وَالْقَسْوَةِ، وَالْعَفْلَةِ، وَالْعَيْلَةِ، وَالذَّلَّةِ، وَالْمَسْكَنَةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَالْكُفْرِ، وَالْفُسُوقِ، وَالشَّقَاقِ، وَالْتَّفَاقِ، وَالسُّمْعَةِ، وَالرِّيَاءِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّمَمِ، وَالْبَكَمِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجُذَامِ، وَالْبَرَصِ، وَسَيِّئِ الْأَسْقَامِ)).

«خدایا! از درماندگی، کاهلی، ترسویی، خست، کهولت، قساوت و سنگدلی، غفلت، تنگدستی، خواری، بی‌نوایی، به تو پناه می‌جویم و از فقر، کفر، هرزگی، تفرقه، نفاق، بی‌آبرویی و ریا به تو پناه می‌آورم، و از کوری، لالی، دیوانگی، جذام، پیسی و بیمارهای بدخیم به تو پناه می‌آورم»^۱.

۴۱- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، [وَالْفَاقَةِ] وَالْقِلَّةِ، وَالذَّلَّةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ)).

۱- حاکم، بیهقی، و صحیح الجامع (۴۰۶/۱) و إرواء الغلیل شماره ۸۵۲.

«خدایا! از فقر، تنگدستی، و خواری به تو پناه می‌آورم و از اینکه ستم کنم و یا مورد ستم قرار گیرم به تو پناه می‌آورم».^۱

۴۲- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَارِ السُّوءِ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ؛ فَإِنَّ جَارَ الْبَادِيَةِ يَتَحَوَّلُ)).
«خدایا! از همسایه بد در سرای جاویدان به تو پناه می‌برم، بی‌گمان همسایه صحرا (دنیا) به پایان می‌رسد».^۲

۴۳- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعِ)).
«خدایا! از قلب بی‌خشوع و از علم بی‌ثمر و از دعاهای بی‌جواب و از نفس سپرنشدنی به تو پناه می‌جویم، از این چهار شیء به تو پناه می‌جویم».

۴۴- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمِ السُّوءِ، وَمِنْ لَيْلَةِ السُّوءِ، وَمِنْ سَاعَةِ السُّوءِ، وَمِنْ صَاحِبِ السُّوءِ، وَمِنْ جَارِ السُّوءِ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ)).
«خدایا! من به تو از روز بد، شب بد، ساعت (وقت) بد، رفیق سوء، همسایه ناشایست در سرای باقی و جاویدان به تو پناه می‌برم».

۴۵- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَأَسْتَجِيرُكَ مِنَ النَّارِ)). (ثَلَاثَ مَرَّاتٍ)
«خدایا! جنت را از تو می‌طلبم و از آتش جهنم به تو پناه می‌آورم». (۳ بار)

۴۶- ((اللَّهُمَّ فَقِّهْنِي فِي الدِّينِ)).

«خدایا! در دین آگاهم کن».^۳

۴۷- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا أَعْلَمُ)).
«خدایا! از اینکه آگاهانه به تو شرک بورزم به تو پناه می‌آورم و از آنچه هم که ناآگاهانه باشد به تو پناه می‌آورم».^۱

۱- نسائی و ابوداود ۹۱/۲ و نگا: صحیح النسائی ۱۱۱۱/۳ و صحیح الجامع ۴۰۷/۱.

۲- حاکم ۵۳۲/۱ و ذهبی آن را صحیح دانسته است، صحیح الجامع ۴۰۸/۱ و صحیح النسائی ۱۱۱۸/۳.

۳- طبرانی و هیشمی در مجموع زوائد، ۱۴۴/۱۰ گفته است رجال این حدیث رجال صحیح‌اند. نگا: صحیح الجامع، ۴۱۱/۱.

۴۸- ((اللَّهُمَّ اَنْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي، وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي، وَزِدْنِي عِلْمًا)).

«خدایا! به آنچه که به من یاد داده‌ای نفع برسانم، و آنچه به من سودی رساند مرا بیاموز، و علم مرا بیفزای.»

۴۹- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا طَيِّبًا، وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا)).

«خدایا! من از تو علم سودمند، روزی حلال و عمل پذیرفته شده مسألت می‌نمایم.»

۵۰- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ بِأَنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ)).

«خدایا! ای یگانه یکتا! بی‌نیازی که نزاده است و زاده نشده است و کسی هم‌تا و همگون او نمی‌باشد از تو می‌خواهم که گناهانم را ببخشایی، بی‌گمان تو بسی بخشنده و مهربان هستی.»

۵۱- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ [وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ] الْمَنَّانُ [يَا] بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ)).

«خدایا! از تو می‌خواهم که حمد و سپاس خاص توست، هیچ معبود بحقی جز تو نیست [تنهایی و تو را شریکی نیست]، ای صاحب شکوه و کرامت! ای زنده باقی پایدار! من از تو بهشت را می‌طلبم و از آتش جهنم به تو پناه می‌برم.»

۵۲- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ، وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)).

«خدایا! از تو درخواست می‌کنم به اینکه من گواهی می‌دهم که تو خدایی، معبود به حقی جز تو نیست. یگانه و بی‌نیازی که نزاده است و زاده نشده است و کسی هم‌تا و همگون او نمی‌باشد.»

۵۳- ((رَبِّ اغْفِرْ لِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الْغَفُورُ)).

«پروردگارا! مرا ببخش، و توبه‌ام را بپذیر، بی‌گمان تو بسی توبه‌پذیر و بسی بخشنده‌ای»^۱.

۵۴- ((اللَّهُمَّ بِعِلْمِكَ الْغَيْبِ، وَقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ، أَحْيِي مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي، وَتَوَفَّنِي إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، وَأَسْأَلُكَ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ، وَأَسْأَلُكَ الْقَصْدَ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَأَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْقُذُ، وَأَسْأَلُكَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ، وَأَسْأَلُكَ الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَاءِ، وَأَسْأَلُكَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَأَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَالشَّوْقَ إِلَى لِقَائِكَ، فِي غَيْرِ صَرَاءٍ مُضِرَّةٍ، وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ، اللَّهُمَّ زَيْنَا بَزِينَةِ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِينَ)).

«خداوند! با علم غیب خود و قدرتت بر خلق، تا وقتی که می‌دانی که حیات برای من خیر است زنده‌ام نگاه‌دار و هرگاه دانستی، مرگ برایم خیر است مرا بمیران، خداوند! ترس و خشیت تو را در نهان و آشکار مسألت می‌کنم و در حال غضب و شادی رعایت گفتن حق را از تو طلب می‌نمایم و میانه‌روی در بی‌نیازی و تهیدستی از تو می‌خواهم و از تو نعمتی می‌خواهم که تمام شدنی نباشد، و از تو لذتی می‌خواهم که بی‌وقفه و پیوسته باشد، و بعد از آمدن گرفتاری رضایت را از تو می‌طلبم، خدایا بعد از مرگ، آرامش زندگی را از تو می‌خواهم، خدایا! لذت نگاه به وجه و سیمایت و شوق لقای تو را بدون اینکه در فلاکت زیربنایی و فتنه گمراه‌کننده بی‌فتم از تو خواهانم، خدایا! مرا به زینت و زیبایی ایمان آراسته گردان، و ما را جزء راهنمایان هدایت یافته قرار ده»^۲.

۵۵- ((اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يَنْفَعُنِي حُبُّهُ عِنْدَكَ، اللَّهُمَّ مَا رَزَقْتَنِي مِمَّا أُحِبُّ فَاجْعَلْهُ قُوَّةً لِي فِيْمَا أُحِبُّ، اللَّهُمَّ مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِمَّا أُحِبُّ فَاجْعَلْهُ فَرَاغًا لِي فِيْمَا أُحِبُّ)).

«خدایا! دوستی و حب خود و حب کسی که دوستی او نزد تو به من سود رساند نصیبم کن، خداوند! از دوستی‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای آن را برای من سبب قوت

۱- ابو داود، ۷۹/۲ و ترمذی، ۵۱۵/۵ و ابن ماجه، ۱۲۶۷/۲ و احمد، ۳۶۰/۵ - و سنن الترمذی ۱۶۳/۳.

۲- النسائی، ۵۴/۳، ۵۵ و احمد ۳۶۴/۴، صحیح النسائی، ۲۸۰/۱ و ۲۸۱/۱.

بخشیدن به آنچه که تو دوست می‌داری قرار ده، خدایا! آنچه را که من دوست می‌دارم و آن را از من پنهان و مخفی داشته‌ای آن را در تکمیلِ حبِّ آنچه که دوست می‌داری برای من قرار ده»^۱.

۵۶- ((اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْهَا كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي بِالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَالْمَاءِ الْبَارِدِ)).

«خدایا! از گناه و خطاها پاکم گردان، خدایا! از آن‌ها پاکم کن همچنان‌که جامه سفید از چرک پاک می‌گردد، خدایا! با برف و تگرگ و آب خنک پاکم گردان»^۲.

۵۷- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَالْجُبْنِ، وَسُوءِ الْعُمُرِ، وَفِتْنَةِ الصَّدْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ)).

«خدایا! از بخل ورزیدن و ترسویی و عمر بد، و فتنه قلب و عذاب قبر به تو پناه می‌برم»^۳.

۵۸- ((اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ، وَمِيكَائِيلَ، وَرَبَّ إِسْرَافِيلَ، أَعُوذُ بِكَ مِنَ حَرِّ النَّارِ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ)).

«خدایا! ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و پروردگار اسرافیل! از گرمای سوزان جهنم و از عذاب قبر به تو پناه می‌آورم»^۴.

۵۹- ((اللَّهُمَّ أَلْهِمْنِي رُشْدِي، وَأَعِزَّنِي مِنْ شَرِّ نَفْسِي)).

«خدایا! طریق هدایتم را به من نشان ده، و از شر نفسم پناهم ده».

۶۰- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ)).

«خدایا! علم سودمند را از تو درخواست می‌نمایم و از علم بی‌سود و ثمر به تو پناه می‌برم».

۱- ترمذی، ۵۲۳/۵ و جامع الأصول، تحقیق: عبدالقادر أرناؤوط ۳۴۱/۴.

۲- نسائی، ۱۹۸/۱ و ۱۹۹، و ترمذی، ۵۱۵/۵، صحیح سنن النسائی ۸۶/۱.

۳- نسائی، ۲۵۵/۸ و ابوداود، ۹/۲، جامع الأصول ۳۶۳/۴.

۴- نسائی، ۲۷۸/۸ و صحیح نسائی ۱۱۲۱/۳.

۶۱- ((اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ [السَّبْعِ] وَرَبَّ الْأَرْضِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ)).

«خدایا! ای پروردگار آسمان‌های [هفتگانه] و پروردگار زمین و عرش والا! پروردگار ما و پروردگار تمام اشیاء، شکافنده و رویاننده دانه و هسته و فرودآورنده تورات و انجیل و قرآن؛ از شر هر چیزی که در پنجه قدرت توست به تو پناه می‌آورم، خدایا! ای نخستین هستی که قبل از تو چیزی نبوده است و ای واپسین هستی که بعد از تو چیزی نیست و تو نمایانی هستی که چیزی تو را نمی‌پوشاند و نهانی هستی که نهان‌تر از تو چیزی نیست؛ دین و بدهی را از ما ادا کن و ما را از فقر بی‌نیاز گردان»^۱.

۶۲- ((اللَّهُمَّ أَلْفَ بَيْنٍ قُلُوبِنَا، وَأَصْلَحْ ذَاتَ بَيْنِنَا، وَاهْدِنَا سُبُلَ السَّلَامِ، وَجَنِّبْنَا الظُّلُمَاتِ إِلَى الثَّوْرِ، وَجَنِّبْنَا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي أَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُلُوبِنَا، وَأَزْوَاجِنَا، وَدُرِّيَّاتِنَا، وَثُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَاجْعَلْنَا شَاكِرِينَ لِعَمَلِكَ مُثْنِينَ بِهَا عَلَيْكَ، قَابِلِينَ لَهَا، وَأَتِمِّمَهَا عَلَيْنَا)).

«خدایا! میان دل‌هایمان الفت به وجود بیاور و اختلاف و ناسازگاری‌هایمان را اصلاح کن، و به راه‌های صلح و دوستی هدایت و راهنمایمان فرما، و از تاریکی‌ها به طرف نور و روشنائی نجاتمان ده. خدایا! ناهنجاری‌های آشکار و پوشیده را از ما دور گردان و به شنیداری و بینایی و درون‌ها و همسرانمان و نسل‌هایمان برکت عنایت فرما و توبه را از ما بپذیر، بی‌شک تو بسی توبه‌پذیر و مهربان هستی، ما را سپاس‌گزار نعمت‌هایت و ثناگویت و پذیرنده نعمت‌هایت قرار ده و آن‌ها را بر ما به اتمام رسان»^۲.

۱- مسلم، ۴/۲۰۸۴ به روایت ابوهریره رضی الله عنه.

۲- به روایت حاکم و گفته صحیح است بر شرط مسلم و ذهبی با او موافق است، ۱/۲۶۵.

۶۳- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَسْأَلَةِ، وَخَيْرَ الدُّعَاءِ، وَخَيْرَ التَّجَاحِ، وَخَيْرَ الْعَمَلِ، وَخَيْرَ الثَّوَابِ، وَخَيْرَ الْحَيَاةِ، وَخَيْرَ الْمَمَاتِ، وَتُبَّتْنِي، وَثَقَّلْ مَوَازِينِي، وَحَقِّقْ إِيْمَانِي، وَارْفَعْ دَرَجَاتِي، وَتَقَبَّلْ صَلَاتِي، وَاعْفِرْ خَطِيئَتِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنْ الْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَوَاتِحَ الْخَيْرِ، وَخَوَاتِمَهُ، وَجَوَامِعَهُ، وَأَوَّلَهُ، وَظَاهِرَهُ، وَبَاطِنَهُ، وَالدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنْ الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا آتَى، وَخَيْرَ مَا أَفْعَلُ، وَخَيْرَ مَا أَعْمَلُ، وَخَيْرَ مَا بَطَنَ، وَخَيْرَ مَا ظَهَرَ، وَالدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنْ الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْفَعَ ذِكْرِي، وَتَضَعْ وَزْرِي، وَتُصْلِحَ أَمْرِي، وَتُظَهِّرَ قَلْبِي، وَتُحْصِنَ فَرْجِي، وَتُنَوِّرَ قَلْبِي، وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنْ الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ فِي نَفْسِي، وَفِي سَمْعِي، وَفِي بَصَرِي، وَفِي رُوحِي، وَفِي خُلُقِي، وَفِي خُلُقِي، وَفِي أَهْلِي، وَفِي مُحْيَايَ، وَفِي مَمَاتِي، وَفِي عَمَلِي، فَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنْ الْجَنَّةِ، آمِينَ)).

«خدايا بهترین درخواست و بهترین دعا و بهترین موفقیت، بهترین عمل، بهترین ثواب، بهترین حیات و بهترین مرگ را از تو درخواست می‌نمایم، و مرا استوار گردان، ترازوی نیکی‌هایم را سنگین گردان و ایمانم را ثابت گردان و درجاتم را رفیع گردان و دعا و نمازم را بپذیر و خطایم را ببخش و درجات عالی بهشت را از تو درخواست می‌نمایم. خدايا! آغازهای خیر و خاتمه‌های آن و اول و آشکار و پنهان آن را و درجات عالی بهشت را از تو درخواست می‌نمایم [بپذیر و اجابت نمای خداوندا خدايا! بهترین آنچه که می‌آورم و بهترین آنچه که انجام می‌دهم و به آن می‌پردازم و بهترین آنچه که پنهان و نمایان است و درجات بلند بهشت را از تو درخواست می‌نمایم (آمین) اجابت کن ای خداوند. خدايا! از تو می‌خواهم که نامم را رفیع گردانی و بار سنگین گناهم را فرو نهی، و حالم را نیک گردانی و درونم را پاک نمائی و دامنم را از آلودگی حفظ کنی و قلبم را منور گردانی و گناهم را ببخشایی، و درجات بلند بهشت را از تو درخواست می‌نمایم و خدايا! از تو می‌خواهم که به درون و شنوایی و بینایی و روح و خلق و اخلاق و اهل و حیات و مرگ و کردارم برکت

بیفزایی و حسنام را پذیرا باشی و درجات رفیع بهشت را از تو مسألت می‌نمایم»^۱.

۶۴- ((اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَهْوَاءِ، وَالْأَعْمَالِ، وَالْأَذْوَاءِ)).

«خدایا! اخلاق‌های ناروا و هواهای نفسانی و کردارهای نفسانی و ناخوشی‌ها را از من دور بدار»^۲.

۶۵- ((اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيهِ، وَاحْلُفْ عَلَيَّ كُلِّ غَائِبَةٍ لِي بِخَيْرٍ)).

«خدایا! به آنچه که به من عطاء و ارزانی داشته‌ای قانع کن و در آن برکت بیفزای و هر چه را از دست داده‌ام جایگزین آن، خیر نصیبم فرما»^۳.

۶۶- ((اللَّهُمَّ حَاسِبْنِي حِسَابًا يَسِيرًا)).

«خدایا! مرا آسان مورد محاسبه قرار ده».

۶۷- ((اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى ذِكْرِكَ، وَشُكْرِكَ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ)).

«خدایا! ما را بر ذکر و شکر و حسن عبادت یاری نما».

۶۸- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا يَرْتَدُّ، وَنَعِيمًا لَا يَنْقُذُ، وَمُرَافَقَةً مُحَمَّدٍ ﷺ فِي أَعْلَى جَنَّةِ الْخُلْدِ)).

«خدایا! ایمانی غیر قابل برگشت و نعمتی تمام نشدنی و هم‌نشینی با محمد ﷺ را در رفیع‌ترین باغ‌های بهشت جاویدان را از تو مسألت می‌نمایم».

۶۹- ((اللَّهُمَّ قِنِّي شَرَّ نَفْسِي، وَاعْزِمْ لِي عَلَى أَرْشِدِ أَمْرِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا أَسْرَرْتُ، وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَخْطَأْتُ، وَمَا عَمَدْتُ، وَمَا عَلِمْتُ، وَمَا جَهِلْتُ)).

«خدایا از شرارت نفس حفظم نما. و خدایا! گناهی را که آشکارا و یا سرّی و یا عمدی و یا اشتباهی و یا آگاهانه و یا ناآگاهانه انجام داده‌ام مورد عفو و بخشش قرار ده».

۷۰- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ، وَغَلَبَةِ الْعَدُوِّ، وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ)).

۱- حاکم آن را تخریج نموده و ذهبی آن را صحیح دانسته است، ۵۲۰/۱.

۲- با تخریج حاکم و قائل به صحیح بودن است.

۳- حاکم، و قائل به صحت آن می‌باشد بر شرط مسلم و ذهبی با آن موافق است، ۵۳۲/۱.

«خدایا! از غلبه قرض و دشمن و نیرنگ دشمن به تو پناه می‌برم».

۷۱- ((اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَاهْدِنِي، وَارْزُقْنِي، وَعَافِنِي، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ضِيقِ الْمَقَامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)).

«خدایا! مرا ببخش و هدایت‌م نما و از من درگذر، خدایا! از تنگی جایگاه در روز قیامت به تو پناه می‌برم».^۱

۷۲- ((اللَّهُمَّ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي، وَبَصَرِي، وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ يَظْلِمُنِي، وَخُذْ مِنْهُ بِثَأْرِي)).

«خدایا از شنوایی و بینائی بهره‌مندم کن. و بر کسی که به من ستم می‌نماید پیروزم گردان و انتقامم را از او بگیر».^۲

۷۳- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَيْشَةً نَقِيَّةً)).

«خدایا! زندگی پاکی را از تو درخواست می‌نمایم».

۷۴- ((اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، اللَّهُمَّ لَا قَابِضَ لِمَا بَسَطْتَ، وَلَا بَاسِطَ لِمَا قَبَضْتَ، وَلَا هَادِيَ لِمَنْ أَضَلَلْتَ، وَلَا مُضِلَّ لِمَنْ هَدَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُقَرَّبَ لِمَا بَاعَدْتَ، وَلَا مُبَاعِدَ لِمَا قَرَّبْتَ، اللَّهُمَّ ابْسُطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ، وَرَحْمَتِكَ، وَفَضْلِكَ، وَرِزْقِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ التَّعِيمَ الْمُقِيمَ الَّذِي لَا يَحُولُ وَلَا يَزُولُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ التَّعِيمَ يَوْمَ الْعِيَلَةِ، وَالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِدُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْطَيْتَنَا، وَشَرِّ مَا مَنَعْتَنَا، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ، وَزَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا، وَكَرِّهِ إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِينَ، اللَّهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ، وَأَحْيِنَا مُسْلِمِينَ، وَأَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِينَ غَيْرَ خَزَايَا وَلَا مَفْتُونِينَ، اللَّهُمَّ قَاتِلِ الْكُفْرَةَ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ، وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَاجْعَلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَعَذَابَكَ، اللَّهُمَّ قَاتِلِ الْكُفْرَةَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ، إِلَهَ الْحَقِّ [آمِينَ])).

۱- نسائی، ۲۰۹/۳، و ابن ماجه، ۴۳۱/۱، صحیح سنن النسائی، ۳۵۶/۱ و صحیح ابن ماجه، ۲۲۶/۱.

۲- ترمذی تخریج نموده است. نگا: صحیح ترمذی، ۱۸۸/۳ و حاکم تخریج نموده.

«خدایا! همه ستایش خاص توست، خدایا! آنچه را که تو گسترده‌ای، جمع‌کننده برای آن نیست و آنچه را که تو درهم کشیده‌ای، گسترنده برای آن نیست، آنکه را که تو گمراه کرده باشی برای وی هدایت‌گری نیست و آنکه را تو هدایت کرده باشید برای وی گمراه‌کننده نیست و آنچه را که تو منع کرده باشی عطاکننده برای آن نیست و آنچه را که تو عطا نموده باشی، منع‌کننده برای آن نیست و برای آنچه را که تو عطا نموده باشی، منع‌کننده برای آن نیست و برای آنچه که تو دور نموده‌ای نزدیک‌کننده نیست و برای آنچه که تو نزدیک نموده‌ای دور‌کننده نیست و از برکات و رحمت و فضل و روزی‌ات بر ما گسترده گردان، خدایا! من نعمت پابرجا که دگرگون و زایل نگردد از تو درخواست می‌نمایم، خدایا! در روز تنگدستی، نعمت و در روز خوف و هراس، امنیت را از تو درخواست می‌کنم، خداوند! از آنچه که به ما عطا نموده‌ای و از شر آنچه که ما را از آن منع نموده‌ای به تو پناه می‌برم و خدایا! ایمان را نزد ما محبوب و آن را در دل‌هایمان مزین و آراسته گردان و کفر و بدی و سرکشی را نزد ما کریه و زشت گردان و ما را از راه‌یافتگان قرار ده و ما را با مسلمانی زنده گردان و بدون خواری و گرفتاری مرا به نیکوکاران ملحق نما، خدایا! کافرانی را که پیامبران تو را تکذیب می‌نمایند و از راه تو جلوگیری ممانعت می‌نمایند از بین ببر و خشم و عذاب خود را بر آن قرار ده، خدایا! کافرانی که کتاب (اهل کتاب) دریافت نموده‌اند نابود و از بین ببر، ای معبود بحق»^۱.

۷۵- ((اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي، وَعَافِنِي، وَارْزُقْنِي)).

«خدایا! مرا مورد بخشش قرار بده، و به من رحم کن، و هدایت ده و تندرستم گردان و روزی‌ام ده»^۲.

۷۶- ((اللَّهُمَّ زِدْنَا وَلَا تَنْقُصْنَا، وَاکْرِمْنَا وَلَا تُهِنَّا، وَأَعْطِنَا وَلَا تَحْرِمْنَا، وَآثِرْنَا وَلَا تُؤْثِرْ عَلَيْنَا، وَأَرْضِنَا وَأَرْضْ عَنَّا)).

۱- احمد، ۴/۲۴.

۲- مسلم، ۴/۲۰۷۲-۲۰۷۳، ۴۵/۲۰۷۸.

«خدایا! بر ما بیغزا و از ما کاهش نده، و مرا اکرام ده و مرا مورد اهانت قرار نده به ما عطا نما و ما را محروم ننما و ما را ترجیح و برتری ده و بر ما ترجیح نده، و ما را راضی کن و از ما رضایت حاصل نما»^۱.

۷۷- ((اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي، وَاجْعَلْنِي هَادِيًا مَهْدِيًا)).

«خدایا! استوارم گردان و مرا هدایت‌دهنده و هدایت‌یافته گردان»^۲.

۷۸- ((اللَّهُمَّ آتِنِي الْحِكْمَةَ الَّتِي مَنْ أُوتِيَهَا فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا)).

«خدایا! حکمتی را که به هر کس داده شود، خیر فراوانی به او داده شده است، به من عطا نما».

اللهم صلّ وسلّم على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين

ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين

۱- ترمذی، ۳۲۶/۵، شماره ۳۱۷۳. حاکم، ۹۸/۲، نگا: جامع‌الأصول، ۲۸۲/۱۱، شماره ۸۸۴۷.

۲- تخریج امام احمد، ۶۸/۶، ۱۵۵، ۴۰۳۱، آلبانی در إرواء الغلیل آن را صحیح گفته است (۱۵۵/۱ شماره ۷۴).

اهمیت معالجه با کتاب و سنت

مقدمه

تمام ستایش‌ها مختص ذات خداوند است، او را ثنا می‌گوییم، و از او یاری می‌جوییم و از او طلب مغفرت و بخشش می‌نماییم، و از شرارت‌ها و بدی‌های درون و زشتی‌های کردارمان به خداوند پناه می‌بریم هر که را خدایش هدایت نماید او را گمراه‌کننده نیست و هر که را خدا گمراهش نماید او را هدایت‌گری نیست، و گواهی می‌دهم که معبود بحقی جز خداوند نیست، یگانه است و او را شریکی نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، درود و تحیت خداوند بر او و آل و یاران او و پیروان راستین او تا روز قیامت.

بی‌گمان معالجه با قرآن و دعا و تعویذهای که از پیامبر ﷺ ثبت و ضبط گردیده است، معالجه سودمند و بهبودی تمام و کاملی است.

﴿هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ﴾ [فصلت: ۴۴].

بگو: «این (قرآن) برای کسانی که ایمان آوردند، هدایت و شفاست».

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الإسراء: ۸۲].

«و از قرآن آنچه را که شفا و رحمت برای مؤمنان است؛ نازل می‌کنیم».

و حرف (مِنْ) در اینجا برای تبیین جنس است یعنی اینکه تمام قرآن همچنان‌که در آیه ذکر گردید دارای بهبودی و راهنمایی است، و در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [يونس: ۵۷].

«ای مردم! به راستی که برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد، و شفایی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان است».

پس قرآن مایه بهبودی تمام بیماری‌های روحی و جسمی و دنیوی و اخروی است، هر فردی با داشتن اهلیت و صلاحیت لازم در بهبودیابی و شفاجستن به قرآن به موفقیت نایل می‌گردد، و هرگاه بیمار با روش نیک و از روی صدق و باور و اعتقاد جازم و با رعایت شروط آن به قرآن بیماری خویش را مداوا و معالجه نماید، هرگز بیماری با وی روبرویی نخواهد کرد چگونه بیماری می‌تواند با سخن خدا درآفتد که اگر آن را بر کوه‌ها فرو می‌فرستاد آن‌ها را تکه تکه و متلاشی می‌نمود، هر کسی خداوند، فهم قرآن را به وی ارزانی داشته باشد تمام بیماری‌های درونی و بیرونی و علت و درمان آن‌ها و پیشگیری از آن را در قرآن می‌یابد، خداوند در قرآن بیماری‌ها و راه درمان دل‌ها و جسم‌ها را ذکر نموده است.

بیماری قلب دو دسته می‌باشند؛ دسته بیماری تردید و سوءظن است، و دسته دیگر بیماری شهوت و لغزش است.

و قرآن در جاهای متعددی به بیان بیماری درونی و سبب و راه چاره آن‌ها می‌پردازد:
 ﴿أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [العنکبوت: ۵۱].

«آیا برای آن‌ها کافی نیست که همانا ما (این) کتاب (قرآن) را بر تو نازل کردیم که (پیوسته) بر آن‌ها تلاوت می‌شود؟! بی‌گمان در این (قرآن) رحمت و پندی است برای کسانی که ایمان می‌آورند».

امام ابن قیم (الجوزیه) می‌گوید: کسی که قرآن او را شفا ننموده باشد خداوند وی را شفا و بهبود نبخشد و هر که قرآن او را کفایت و بسنده نکند خداوند نیز وی را کفایت و بسنده نکند.^۲

و اما بیماری‌های جسمی: خداوند به ریشه‌های درمان آن‌ها و منشأ ایجاد و قواعد آن

۱- زادالمعاد، ۶/۴ و ۳۵۲۴.

۲- زادالمعاد، ۴/۳۵۲.

در قرآن کریم اشاره نموده است، به طوری که قرآن اساس و شالوده آن را به سه دسته تقسیم کرده است:

- ۱- حفظ تندرستی و سلامت
 - ۲- پیشگیری و مبارزه با عوامل بیماری‌زا
 - ۳- استفرغ و تهی نمودن مواد فاسد بیماری‌زا، و چنانچه فرد با روش درست و مناسب با قرآن تداوی نماید بلافاصله اثر بهبودی آن را می‌بیند.
- امام ابن قیم در کتاب «زادالمعاد» می‌گوید: مدتی در مکه مریض بودم و طیب و دارویی جهت مداوا نیافتم، خودم را با سوره حمد معالجه می‌کردم و تأثیر شگفت آن را روی خود می‌دیدم، مقداری از آب زمزم بر می‌داشتم و چند بار سوره حمد را بر آن می‌خواندم سپس آن را می‌نوشیدم و با آن بهبودی کامل می‌یافتم و بعد از آن در برابر بسیاری دردها از آن استفاده می‌بردم و برای کسانی که از درد رنج می‌بردند توصیه می‌نمودم و بسیاری از آنان به سرعت رو به بهبودی می‌رفتند.^۱
- و همچنین معالجه با تفویض و دعا‌های نبوی مفیدترین داروها می‌باشند و دعا به شرطی که از موانع بدور باشد سودمندترین ابزار در رفع گرفتاری و حصول خواسته انسان است و مفیدترین دارو می‌باشد مخصوصاً اگر همراه با التماس و استدعا باشد و دعا دشمن مصیبت و بلاست و آن را دفع نموده و از فرود آمدن آن ممانعت به عمل می‌آورد و یا اگر هم فرود آید آن را تخفیف و آسان گرداند.^۲ و از ترمذی و حاکم روایت شده است که پیامبر ﷺ فرموده است: «الدُّعَاءُ يَنْفَعُ مِمَّا نَزَلَ وَمِمَّا لَمْ يَنْزِلْ فَعَلَيْكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِالْدُّعَاءِ».

«دعا از چیزی که فرود آمده است و از آنچه نازل نگشته است سود و فایده می‌رساند پس دعا

۱- زادالمعاد، ۱۷۸/۴ و الجواب الکافی، ص ۲۱.

۲- جواب الکافی: ۲۲-۲۵.

کردن -ای بندگان خدا- بر شما لازم و ضروری است»^۱.

و باز می‌فرماید: «لَا يَزِدُ الْقَضَاءُ إِلَّا الدُّعَاءَ وَلَا يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ إِلَّا الْبِرُّ».

«قضا را جز دعا باز نگرداند و جز نیکی کردن به طول عمر نیفزاید»^۲.

ولیکن در اینجا لازم است به این نکته توجه گردد که آیات و اذکار و دعاهایی با آنها درخواست بهبودی می‌گردد و آنها در نفس خود دارای سود و بهبودی می‌باشند دارای قبولی و توانایی و اثر معالج می‌باشند و اگر تداوی و معالجه با موارد مذکور بهبودی را به دنبال نداشت یا بر اثر ضعف تأثیر انجام دهنده آن بوده است و یا به علت عدم قبول فرد مداوا شده و یا به خاطر وجود مانع بزرگی است که از تأثیر در ماده ممانعت می‌نماید، و معالجه با دعا و تعویذ به دو امر تحقق می‌پذیرد:

یکی از سوی مریض و امر دیگر از سوی فرد معالج می‌باشد، و آنچه که بسیار رعایت نماید این است که با تقویت خود و توجه صادقانه به خداوند روی نماید و اعتقاد جازم داشته باشد به اینکه قرآن شفا و رحمت است برای ایمان‌داران و با قلب و زبان از خداوند پناه جوید، زیرا این عمل یک نوع ستیز و جنگ می‌باشد و فرد ستیزه‌جو نیز امکان پیروزی بر دشمن برای وی ممکن نمی‌گردد. جز به دو امر نباشد یکی اینکه سلاح در ذات خود سالم و کارایی لازم را داشته باشد و دوم اینکه فرد جنگجو دارای نیرو و وقت لازم جنگ را دارا باشد، و چنانچه یکی از دو امر برای جنگجو فراهم نباشد اسلحه برای وی سود و ارزشی ندارد پس اگر جنگجو فاقد هر دو امر باشد در این صورت چه چیزی برای وی حاصل می‌گردد و همچنین اگر قلب مریض از توحید و تقوا و توجه خدا خالی باشد و سلامتی هم نداشته باشد چگونه انتظار بهبودی را داشته باشد.

۱- صحیح الجامع، ۱۵۳/۳، شماره ۳۴۰۳.

۲- حاکم و ترمذی و آلبانی آن را صحیح دانسته است. نگاه: سلسلة الأحادیث الصحيحة ۷/۱، شماره

و امر دوم که از سوی معالج با کتاب و سنت می‌باشد می‌بایست او نیز دارای دو امر مذکور در وظایف مریض باشد^۱، و به همین سبب ابن التیمیه رحمته الله گفته است: تعویذ با دعاها و اسماء خداوند داروی روحی است؛ هرگاه بر زبان نیکوکار جاری گردد و با اذن خداوند بهبودی حاصل می‌گردد.

و علما با وجود سه شرط بر جواز تعویذ^(۲) (رقیه و افسون) اجماع کرده‌اند:

- ۱- اینکه با کلام خداوند یا اسماء و صفات او و یا سخن پیامبر صلی الله علیه و آله باشد.
- ۲- با زبان عربی و یا زبان قابل فهم دیگری باشد.
- ۳- باور به اینکه دعا ذاتاً تأثیری ندارد بلکه با قدرت خداوند تأثیر می‌کند و آن هم سببی از اسباب بهبودی است^۳.

و به خاطر اهمیت جدی دعا بخش تعویذ را از کتاب «ذکر و دعا و معالجه با رقیه (افسون و تعویذ) از کتاب و سنت» خودم خلاصه نمودم و نکته‌های مفیدی نیز به آن افزودم و از خداوند - عزّ و جلّ - می‌خواهم که آن را محض رضای خویش قرار دهد، و به وسیله این اثر به من و کسانی که آن را خوانده‌اند و یا به چاپ رسانده و یا عامل پخش آن بوده‌اند و همه مسلمانان بهره و نفع رسانند.

وصلی الله وسلم وبارک علی نبینا محمد وعلی آله و أصحابه و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدین

سعید بن علی بن وهف القحطانی

نگاشته شد در تاریخ ۱۴۱۴/۶/۱۸ هـ

۱- زادالمعاد، ۶۸/۴، الجواب الکافی، ص ۲۱.

۲- تعویذ بمعنی: دعا کردن، و پناه خواستن، التجا کردن به خداوند متعال توسط اوراد و اذکار مشروع قرآن و سنت صحیح می‌باشد بخلاف مفهوم مشهور عام که عبارت از آویزان کردن گلو بند و دستبند و... می‌باشد.

۳- فتح الباری، ۱۹۶/۱۰.

۱- علاج سحر (جادو)

علاج الهی برای سحر دو نوع می‌باشد:

بخش اول آنست که قبل از وقوع سحر از آن پیشگیری به عمل آورده می‌شود:

- ۱- انجام دادن همه واجبات، و ترک تمام محرّمات، و توبه از تمام گناهان.
- ۲- افزایش خواندن قرآن کریم به طوری که هر روز وردی^۱ (جزیی) از آن را برای آن قرار داده شود.
- ۳- پناه‌جویی از خداوند با دعاها و اذکار. برای شروع در این مورد می‌توان به دعا‌های زیر اشاره نمود:

«بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ، فِي الْأَرْضِ، وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»
سه بار در صبح و شبگاه^۲، و خواندن آیه الکرسی بعد از هر نماز و هنگام خواب و در صبح و شب^۳ و خواندن سوره اخلاص و ناس و فلق سه بار در هنگام خواب و صبح و اول شب و گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». هر روز صد مرتبه و رعایت و پرداختن به اذکار زیر: اذکار صبحگاه و شامگاه، اذکار بعد از نمازها، اذکار خواب و بیدار شدن از آن، اذکار ورود به منزل و خروج از آن، اذکار نشستن بر مرکب، اذکار ورود به مسجد و خروج از آن، و دعای ورود به مستراح و خروج از آن، و غیره و بسیاری از آن‌ها را در (حصن المسلم)^۴ بر طبق احوال و مناسبات و اماکن و اوقات

۱- ورد: جزیی از قرآن است که انسان آن را در طول شبانه روز بخواند، فرهنگ عمید.

۲- ترمذی و ابوداود و ابن ماجه، نگا: صحیح ابن ماجه، ۳۳۲/۲.

۳- نگا: حاکم و ذهبی، ۵۶۲/۱ و صحیح‌الترغیب و الترهیب ناصرالدین آلبانی، ۲۷۳/۱، شماره ۶۵۸.

۴- حصن المسلم: نیز اثری از مؤلف است در ۱۲۰ صفحه که مجموعه‌ای از اذکار کتاب، سنت می‌باشد که در دمشق - بیروت در دار ابن کثیر به چاپ رسیده است.

مناسب ذکر کرده‌ام، بی‌گمان محافظت و رعایت این اذکار فرد را از ابتلا به سحر و چشم و جن‌زدگی به اذن و رخصت الهی منع می‌نماید و موارد بعد از دچار شدن به این آفت‌ها نیز بهترین اثر را در علاج آن‌ها ایفا می‌نمایند.^۱

۴- خوردن هفت خرما با شکم خالی قبل از صبحانه هرگاه ممکن باشد؛ زیرا از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرموده است: «مَنْ أَصْطَبَحَ بِسَبْعِ تَمَرَاتٍ عَجْوَةٍ، لَمْ يَضُرَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سَمٌّ، وَلَا سِحْرٌ».

«هر کسی با خوردن هفت خرما خشک صبحانه نماید در آن روز سموم و سحری به او ضرر نمی‌رسانند».

و بهتر اینکه از خرماهای مدینه باشد و علامه بن عبدالله بن باز رحمته الله بر این باور است که تمام خرماهای مدینه دارای این اوصاف می‌باشد.

همچنان‌که شیخ رحمته الله بر این باور است که در غیر خرماهای مدینه هم برای کسی که بخواهد این سنت را عملی نماید نیز شامل این حکم می‌گردد.

بخش دوم: علاج سحر بعد از وقوع آن که دارای انواع مختلفی است.

نوع اول: بیرون نمودن و ابطال سحر اگر محل آن دانسته شود با راه‌های مباح شرعی و غالباً فرد مسحور با این روش معالجه می‌گردد.

نوع دوم: تعویذ شرعی از جمله:

أ- هفت برگ سبز سیدر (درخت کُنار) را میان هاون و یا با هر وسیله دیگر کوبیده گردد و سپس به اندازه آب غسل یک فرد آب بر آن بریزید و آیات زیر بر آن خوانده شود:

(أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ)

۱- زادالمعاد، ۱۲۶/۴ و مجموع فتاوی ابن باز ۲۷۷/۳ و ص ۱۰۸ از همین کتاب.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

«الله (معبود بر حق است) هیچ معبودی بحق جز او نیست، زنده (و جهان هستی را) نگه دار و مدبر است، نه چرت او را فرا گیرد و نه خواب، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست کیست که در نزد اوجز به فرمان او شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد احاطه نمی‌یابد، کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته، و نگاهداری آن دو (زمین و آسمان) بر او گران و دشوار نیاید، و او بلند مرتبه و بزرگ است».

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ ﴿١١٩﴾ وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿١٢٠﴾ قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢١﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٢﴾﴾ [الأعراف: ۱۱۷، ۱۲۲].

«و (ما) به موسی وحی کردیم که: «عصای خود را بیفکن» پس ناگهان آن (عصا، به صورت اژدهای درآمد) آنچه را که به دروغ بر ساخته بودند، می‌بلعید. * آنگاه حق آشکار (و پیروز) شد و آنچه آن‌ها (ساخته بودند و) انجام می‌دادند باطل گشت. * پس در آنجا (فرعون و فرعونیان همگی) مغلوب شدند و خوار و زبون بازگشتند. * و ساحران به سجده افتادند. * گفتند: «به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، * پروردگار موسی و هارون».

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتَأْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾﴾ [یونس: ۷۹، ۸۲].

«و فرعون گفت: «تمام جادوگران (ماهر و) دانا را نزد من بیاورید.» * پس چون جادوگران آمدند، موسی به آن‌ها گفت: «آنچه شما (از وسایل سحر) می‌توانید بیفکنید، (اکنون بر زمین) بیفکنید.» * پس چون افکندند، موسی گفت: «آنچه شما آورده‌اید، سحر است، بی‌گمان الله آن را باطل خواهد کرد، همانا الله عمل مفسدان را اصلاح نمی‌کند. * و الله با کلمات خود، حق را (ثابت و) پایدار می‌کند گرچه مجرمان کراحت داشته باشند».

﴿قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ ۖ قَالَ بَلْ أَلْقَوُا فَإِذَا هَبَالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ يُخَيِّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ ۖ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ ۚ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ ۚ وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلَقَّفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ۚ فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَجْدًا قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ ۚ﴾ [طه: ۶۵، ۷۰].

«(ساحران) گفتند: «ای موسی! یا این است که (اول) تو (عصا را) بیفکنی یا آنکه ما کسانی باشیم که اول بیفکنیم؟!» * (موسی) گفت: «بلکه (شما) بیفکنید» پس ناگهان ریسمان‌های شان و عصا‌های شان از (اثر) سحر شان چنان به نظرش رسید که حرکت می‌کند (و می‌دوند) * موسی در دل خود ترسی احساس کرد که (مبادا در ایمان مردم خللی ایجاد شود). * گفتیم: «نترس! مسلماً تو (غالب و) برتری، * و آنچه را که در دست راست خود داری بیفکن، تا (تمام) آنچه را که ساخته‌اند، ببلعد، بی‌شک آنچه ساخته‌اند، تنها مکر ساحر است، و ساحر هر جا رود رستگار (و موفق) نخواهد شد.» * (پس موسی عصای خود را افکند، ناگهان به مار بزرگی تبدیل شد و همه‌ای آن‌ها را که ساخته بودند بلعید) آنگاه ساحران (همگی) به سجده افتادند، گفتند: «(ما) به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم»

﴿قُلْ يٰٓأَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۚ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۚ وَلَا أَنْتُمْ عٰبِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۚ وَلَا أَنَا عٰبِدُ مَا عٰبَدْتُمْ ۚ وَلَا أَنْتُمْ عٰبِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۚ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ۖ﴾ [الکافرون: ۱، ۶].

«(ای پیامبر) بگو: «ای کافران. * من نمی‌پرستم آنچه را که شما می‌پرستید. * و شما (نیز) نمی‌پرستید آنچه را که من می‌پرستم. * و نه من پرستش‌گر آنچه شما پرستش کرده‌اید خواهم بود. * و نه شما پرستش‌گر آنچه من می‌پرستم خواهید بود. * (بنا بر این) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم».

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝﴾ [الاخلاص: ۱، ۴].

«(ای پیامبر) بگو: «او الله یکتا و یگانه است.^(۱) * الله بی‌نیاز است (و همه نیازمند او هستند). * نه (فرزندی) زاده و نه زاده شده است. * و هیچ کس همانند و همتای او نبوده و نیست».

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ اللَّفَّاتِ فِي الْعُقَدِ ۝ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝﴾ [الفلق: ۱، ۶].

«(ای پیامبر) بگو: «به پروردگار سپیده دم پناه می‌برم، * از شر تمام آنچه آفریده است، * و از شر تاریکی شب، آنگاه که همه جا را فرا گیرد. * و از شر (زنان جادوگر) که با افسون در گره‌ها می‌دمند. * و از شر حسود آنگاه که حسد ورزد».

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝ مَلِكِ النَّاسِ ۝ إِلَهِ النَّاسِ ۝ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝ مِنَ الْغِيَّةِ وَالنَّاسِ ۝﴾ [الناس: ۱، ۶].

«(ای پیامبر) بگو: «به پروردگار مردم پناه می‌برم، * فرمانروای مردم، * (إله و) معبود مردم، * از شر (شیطان) وسوسه‌گر باز پس رونده (به هنگام ذکر الله). * همان که در دل‌های مردم وسوسه می‌کند. * از جنیان (باشد) و (یا از) آدمیان».

و بعد از خواندن آیات مذکور بر آن سه بار از آن بنوشد و با باقیمانده آن غسل نماید و با این عمل اگر خداوند بخواهد، درد و رنج از بین می‌رود و اگر نیاز بود

۱- ابی بن کعب رضی الله عنه می‌فرماید: مشرکان به رسول الله صلی الله علیه و آله گفتند: نسبت الهی خود را برای ما بیان کن، پس الله متعال این سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را نازل فرمود. (مسند احمد: ۵/۱۳۳ و جامع ترمذی: ۳۳۶۴) و در باره فضیلت این سوره آمده که: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ برابر با ثلث قرآن است. (صحیح بخاری: ۷۳۴۷).

دوبار یا بیشتر می‌تواند انجام دهد تا بیمار کاملاً بهبود یابد و این بارها تجربه شده است و مفید هم بوده است.

ب- سورة فاتحه و آیه الکرسی را خوانده و دو آیه آخر سورة بقره و سورة اخلاص و سه بار یا بیشتر معوذتین همراه با دمیدن با دست راست محل درد را مسح و مالش دهید^۱.

ج- تعاویذ^۲ و دعاهاى مهم و جامع

۱- (أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ). (سبع مرات)

«از خداوند بزرگ پروردگار عرش والا می‌خواهم که تو را شفاء دهد». (۷ بار)^۳

۲- (دست را روی محل درد گذاشته و سه بار می‌گوید: «بِسْمِ اللَّهِ» و «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَازِرُ»). (۷ بار)^۴.

«از شر آنچه که می‌یابم و از آن حذر می‌نمایم به خداوند و قدرت او پناه می‌برم».

۳- (اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهِبِ الْبَاسَ، وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا).

«خدایا! پروردگار مردم! ناراحتی را ببر و شفا ده، تو شفادهنده‌ای و شفایی جز شفای تو نیست، شفایی که به بیماری نمی‌گراید»^۵.

۴- (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ).

۱- بخاری با فتح الباری، ۶۲/۹ و مسلم، ۱۷۲۳/۴ و بخاری با فتح الباری، ۱۰۸/۱۰.

۲- تعاویذ جمع تعویذ بمعنی: دعا کردن، و پناه خواستن، التجا کردن به خداوند متعال توسط اوراد و اذکار مشروع قرآن و سنت صحیح می‌باشد بخلاف مفهوم مشهور عام که عبارت از آویزان کردن گلو بند و دستبند و می‌باشد.

۳- ترمذی و ابوداود، ۱۸۷/۳ و ترمذی، ۴۱۰/۲، نکا: صحیح الجامع، ۱۸۰/۵ و ۳۲۲.

۴- مسلم، ۱۷۲۸/۴.

۵- فتح الباری، ۲۰۶/۱۰ و مسلم، ۱۷۲۱/۴.

«از هر شیطان گزنده‌ای و از هر چشم بدی به کلمات تامه خداوند پناه می‌برم».^۱

۵- (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ).

«از شر آنچه خداوند خلق کرده است به کلمات تامات خداوند پناه می‌برم».

۶- (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ: مِنْ غَضَبِهِ، وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونِ).

«از غضب و عذاب خداوند و شرّ بندگان و از وسوسه‌های شیاطین و اینکه نزد من حضور یابند به کلمات تامه خداوند پناه می‌جویم».

۷- (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يَجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَبَرًّا، وَذَرًّا، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الْأَرْضِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالتَّهَارِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَنُ).

«از شرّ آنچه که خدا خلق کرده است و از شرّ آنچه که از آسمان فرود می‌آید و از شرّ آنچه از آن بیرون می‌رود و از شرّ فتنه‌های شب و روز و از شرّ هر کوبنده و شبروی، مگر کوبنده باب خیر و نیکی، به کلمات تامه هیچ نیکوکار و فاجری از آن تجاوز نمی‌نماید، پناه می‌برم».^۲

۸- (اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبَّ الْأَرْضِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ...).

«خدایا! پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش والا، ای پروردگار ما و

۱- بخاری، مع الفتح، ۴۰۸/۶.

۲- مسند احمد، ۱۱۹/۳ با اسناد صحیح، و ابن السنی شماره ۶۳۷ و مجمع الزوائد، ۱۲۷/۱۰.

پروردگار تمام اشیاء، ای شکافنده و رویاننده دانه و هسته، فرودآورنده تورات و انجیل و قرآن، از شر آنچه که زمام آن در دست توست به تو پناه می آورم تو آغازینی هستی که قبل از تو چیزی نبوده است و واپسینی هستی که بعد از تو چیزی نخواهد بود و تو پنهانی هستی که پنهان تر از تو چیزی نیست»^۱.

۹- (بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ).

«به نام خدا تو را از هر چیز که باعث آزارت گردد و از شر هر نفس و یا چشم حسودی تو را آزار نماید تعویذ می نمایم و خداوند شفایت دهد به نام خدا تعویذت می دهم»^۲.

۱۰- (بِسْمِ اللَّهِ يُرِيكَ، وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي عَيْنٍ).

«به نام خدا بهبودت بخشد و از هر درد الهی شفایت دهد و از شر هر حسودی هرگاه رشک بورزد و از شر هر صاحب چشم بدی شفا و پناهت دهد»^۳.

۱۱- (بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ حَسَدٍ حَاسِدٍ، وَمِنْ كُلِّ ذِي عَيْنٍ اللَّهُ يَشْفِيكَ).

«به نام خداوند از هر چیز که آزارت می دهد و از حسد حسود تو را دعا و تعویذ می نمایم و از شر هر صاحب چشم حسودی از خداوند می خواهم بهبودت بخشد»^۴.

این تعاویذ و دعاها، سحر و جن زدگی و چشم زخم و همه بیماری ها با آن معالجه می گردد این ها به اذن خداوند دعاها ی جامع و مفیدی می باشند.

۱- مسلم، ۲۰۸۴/۴.

۲- مسلم از ابوسعید رضی الله عنه، ۱۷۱۸/۴.

۳- مسلم از عائشه رضی الله عنها، ۱۷۱۸/۴.

۴- سنن ابن ماجه از عباد بن صامت رضی الله عنه، نگا: صحیح ابن ماجه، ۲۶۸/۲.

نوع سوم: خون‌گیری با حجامت از محل یا عضوی که اثر سحر بر آن ظاهر گشته است، اگر ممکن باشد و چنانچه حجامت ممکن نباشد به کار گرفتن آنچه که ذکر شد جهت استعلاج کافی و بسنده می‌باشد.

نوع چهارم: داروهای طبیعی و مفیدی که قرآن و سنت مطهر به آن‌ها اشاره نموده‌اند هرگاه انسان با یقین و صدق و توجه به خداوند آن‌ها را به کار ببرد و اعتقاد داشته باشد بر اینکه نفع از طرف خداوند است و اگر خداوند بخواهد به آن نفع رساند همچنان‌که داروهای ترکیبی گیاهی که براساس تجربه تجربه‌داران می‌توان از آن استفاده نمود به شرطی که حرام نباشند و در این زمینه داروهای طبیعی جهت علاج بیماری‌ها و آفات مذکور وجود دارند که اگر خداوند بخواهد نفع و فایده می‌رساند.

از جمله معالجات طبیعی نافع به اذن خداوند می‌توان موارد زیر را ذکر کرد: عسل^۱، سیاه‌دانه^۲، آب زمزم^۳، و آب آسمان همچنان‌که قرآن می‌فرماید:

﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا ۖ﴾ [ق: ۹].

«ما از آسمان آب مبارک فرو فرستاده‌ایم».

و یکی دیگر اسباب معالجه روغن زیتون است به دلیل اینکه از پیامبر ﷺ روایت است که:

«كُلُوا الزَّيْتِ، وَادَّهِنُوا بِهِ، فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ».

«زیتون را بخورید و به آن تدهین نمایید زیرا از درخت مبارک می‌باشد».

واقعیت تجربه و استعمال و مطالعه نشان داده است که بهترین روغن است برای استحمام و نظافت و عطرآگین نمودن و از داروهای طبیعی به شمار می‌آیند.

۱- نگا: ص ۱۴۳ متن عربی همین کتاب، و فتح الحق المبین، ص ۱۴۰.

۲- ص ۱۴۱ متن عربی کتاب حاضر، و فتح الحق المبین، ص ۱۴۱.

۳- ص ۱۴۳، متن عربی کتاب حاضر، و فتح الحق المبین، ص ۱۴۴.

۲- علاج چشم زخم

معالجه ابتلا به چشم بد به سه طریق انجام می‌گیرد:

— **قسم اول:** قبل از ابتلا به آن و آن هم دارای چند نوع می‌باشد:

- ۱- حفظ و نگهداشت فردی که بیم آن می‌رود که مورد حسد چشم بد قرار گیرد با اذکار و دعاها و تعاویذ مشروعه همچون بخش اول از علاج سحر.
- ۲- فردی که از اثر بد چشم خود می‌ترسد و یا بیم می‌رود که چشم وی بر دیگران اثر بد بگذارد هرگاه از خود یا ثروت و فرزند خود و یا برادر خود چیزی را دید که باعث شگفت وی گردد در آن حالت به برکت دعا نماید و بگوید: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَيْهِ» زیرا از پیامبر ﷺ روایت شده است که: (إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مِنْ أَخِيهِ مَا يُعْجِبُهُ فَلْيَدْعُ لَهُ بِالْبَرَكَةِ).
- «هر کسی که از شما چیز را از برادر خود ببیند که او را شگفت زده نماید برای وی دعای برکت نماید».

۳- پوشاندن محاسن کسی که بیم اثر بد چشم بر وی رود.

— **قسم دوم:** بعد از اصابت چشم بد بر فرد که آنهم دارای انواع گوناگون است:

- ۱- هرگاه چشم زخم زننده شناخته شد امر به وضو می‌شود سپس فردی که چشم بد بر وی اصابت کرده است از آب وضوی وی غسل نماید.
- ۲- به خواندن سوره توحید، و معوذتین و حمد و آیه الکرسی و آیه‌های آخر سوره بقره و دعاها مشروعه در تعوید با دمیدن و مسح محل درد با دست راست بیفزاید همچنان که در بخش دوم از علاج سحر فقره ج شماره ۱ الی ۱۱ بیان گردید.
- ۳- سپس بیمار آب دمیده شده را می‌نوشد و باقیمانده را بر روی خود می‌ریزد، یا در روغن می‌خواند و با آن تدهین می‌نماید و چنانچه در آب زمزم یا آب آسمان خوانده شود بهتر است.

۴- ایرادی ندارد اگر آیاتی از قرآن نوشته گردد و بعد از آن شسته شود و بیمار از آن بنوشد و از جمله آیاتی که در این باره به کار می‌روند سوره حمد، آیه الکرسی و دو آیه آخر سوره بقره و سوره توحید و معوذتان و دعاهای تعویذ همچنان که در صفحه‌های قبل ذکر گردید.

۱- بخش سوم به کار بردن اسبابی که باعث دفع چشم حسود می‌گردد که عبارتند از:

۱- استعاذه و پناه خواستن به خداوند از شر حسود.

۲- تقوا و ترس از خداوند و رعایت تقوا در امر و نهی خداوند.

۳- صبر بر حسود و گذشت از او و عدم درگیری و شکایت و اذیت او.

۴- توکل نمودن بر خداوند و هر کسی بر خداوند توکل نماید خداوند برای او کافی و بسنده می‌باشد.

۵- از حاسد نترسد و فکر خود را با آن مشغول ننماید و این مفیدترین داروست.

۶- روی آوردن بر خدا و داشتن اخلاص با او و طلب رضایت او.

۷- توبه از گناهان چون دشمنان انسان را بر او مسلط می‌گرداند.

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ (۳۰)

[الشوری: ۳۰].

«آنچه از مصیبت و بلا یا به شما می‌رسد به خاطر کارهایی است که خود کرده‌اید، و خداوند از بسیاری (از آن) گذشت می‌کند».

۸- به اندازه توان صدقه و احسان نمودن بی‌گمان صدقه و احسان تأثیر شگفتی بر دفع بلا و چشم زخم و شر حسود دارند.

۹- با نیکی نمودن به حاسد، آتش درون وی را خاموش کنید هر اندازه حاسد به افزودن شر و حسد خود پردازد او هم احسان و نیکی و شفقت بر او افزایش دهد و این عمل از هر کسی بر نمی‌آید مگر آنکه خداوند بهره از طرف خود به او داده باشد.

۱۰- مجرد نمودن توحید و اخلاص برای خداوند حکیم که چیزی بدون اذن وی سود و ضرر نمی‌رساند و او جامع و مدار تمام اسباب می‌باشد. پس توحید دژ بزرگ خداوند است هر کسی به آن وارد گردد از امنیت و امان‌یافتگان است.

پس با این ده اسبابی که ذکر کردیم شرّ حاسد و چشم‌زخم زننده و ساحر دفع می‌گردد!.

۳- علاج و آمیختگی جنی با انسان

علاج فرد جن‌زده که جن به او وارد شده است و به آن می‌آمیزد دو نوع است:
نوع اول: قبل از اصابت است:

محافظه و رعایت بر تمام فرایض و واجبات و دوری نمودن از تمام محرّمات، و توبه از تمام گناهان و پناه بردن با اذکار و دعا‌های مشروع.

نوع دوم: معالجه بعد از ورود جنی به جسم انسان:

به وسیله مسلمانی که قلب و زبانش با هم هماهنگ باشد و برای فرد مصروع تعویذ می‌دهد دعا‌های لازم در این زمینه گفته شود و بزرگ‌ترین معالجه با فاتحه‌الکتاب و آیه الکرسی و دو آیه آخر سوره بقره و سوره توحید و سوره فلق و ناس همراه با دمیدن بر فرد مصروع و سه بار تکرار نمودن آن و یا بیشتر و آیات دیگر قرآنی زیرا همه قرآن شفا درونی و شفاء و هدایت است برای ایمان‌داران و سایر دعا‌هایی که در بخش دوم از علاج سحر در فقره «ب» و «ج» گفته شد و در این علاج فرد مصروع رعایت و پای‌بندی به دو امر لازم است اول از طرف فرد مصروع درون خود را تقویت نماید و صادقانه به خداوند توجه و روی آورد و با قلب و زبان به خداوند پناه ببرد و دوم از طرف فرد معالج باید تحقق یابد و او نیز وظایف فرد مصروع را بر عهده دارد و به قول مشهور اسلحه یا زننده

آن است و اگر در گوش مصروع اذان گفته شود نیک است زیرا شیطان از آن گریزان می‌گردد.^۱

۴- معالجه بیماری‌های درونی

بزرگ‌ترین معالجه و درمان بیماری درونی و تنگی و دل‌گرفتگی (سینه) به طور خلاصه عبارت است از:

۱- هدایت و توحید، همچنان‌که گمراهی و شرک بزرگ‌ترین اسباب دل‌گرفتگی است.

۲- نور ایمان واقعی که خداوند در قلب بنده با عمل صالح می‌گذارد.

۳- علم سودمند، هر اندازه علم بنده وسعت یابد دل و سینه او بازتر و گسترده‌تر خواهد شد.

۴- انابه و برگشت به سوی خداوند و یا تمام دل و درون محبت او داشتن و روی آوردن بر او شکر نعمت او با عبادت نمودن وی.

۵- دوام ذکر در هر حال و هر مکانی، ذکر تأثیر شگفتی در انشراح و گشاده صدر و نعمت دل و از بین بردن غم و غصه دارد.

۶- با انواع احسان و نیکی به مردم نیکی کردن و سود رساندن به آنان چون فرد بخشنده و نیکوکار از لحاظ سعه صدر برترین مردم است و دارای پاک‌ترین درون می‌باشد.

۷- شجاعت و دلیری، انسان دلیر دارای سعه صدر و وسعت قلب می‌باشد.

۸- بیرون کردن ناراستی‌های قلب و صفات مذمومه که موجب ضیق و شکنجه قلب می‌گردد: مانند حسد، بغض، کینه، دشمنی و نفرت، سرکشی، و از پیامبر ﷺ ثابت گشته است که از او درباره بهترین مردم سؤال شد فرمود: «كُلُّ مُحْمُومٍ الْقَلْبِ»

۱- نگا: فتح الحق المبين در علاج سحر و صرع و چشم‌زخم، ص ۱۱۲، و بخاری، شماره ۵۷۴.

صَدُوقِ اللِّسَانِ». گفت هر که دل پاک و راست‌گفتار باشد بهترین مردم است، گفتار صدوق اللسان می‌دانیم چیست اما مخموم القلب به چه معناست؟ فرمود: ((هُوَ التَّقِيُّ، التَّقِيُّ، لَا إِثْمَ فِيهِ، وَلَا بَغْيٍ، وَلَا غِلٍّ، وَلَا حَسَدٍ)) کسی است که متقی و پاک باشد، و گناه و کینه و حسد در وی نباشد.^۱

۹- ترک نظر و سخن، استماع و آمیختن با مردم، خوردن و خوابیدن زیاد، و اضافه بر نیاز بکار بردن موارد مذکور از جمله اسباب گشایش روح و روان و زدودن غم و اندوه می‌باشد.

۱۰- اشتغال به کار و یا علم مفیدی که قلب را از آنچه که باعث نگرانی و اضطراب آن گشته است مشغول و باز دارد.

۱۱- اهتمام ورزیدن به عملی که به آن مشغول هستید و دوری از تفکر در مورد آینده و افسوس نخوردن برگزیده و یاری خواستن از خداوند برای تحقق نیات حسنه و تلاش بر این راه غم و اندوه را می‌زداید و باعث آرامش قلب و روان می‌گردد.

۱۲- در تندرستی و معیشت خویش به پایین‌تر از خود بنگرد نه به بالاتر از خود.

۱۳- فراموش نمودن مشکلات و ناراحتی‌هایی گذشته که امکان برگشت و جبران آن‌ها ممکن نباشد نباید در باره آن‌ها اصلاً فکر نمود.

۱۴- هرگاه مصیبتی از مصائب برای شخص پیش آید می‌بایست در تخفیف اثر آن بر خود تلاش بورزد به این گونه که بدترین احتمال ممکن برای آن فرض کند و با توان و قدرت خویش با آن مقابله کند.

۱۵- تقویت قلب و تسلیم نشدن آن در برابر خیالات و توهمات که افکار بد به وجود می‌آورند و به عصبانیت هم منجر نگردد و توقع نداشته باشد که سختی و گرفتاری زایل گردد و بلکه بر خداوند توکل نماید و خود را به خداوند بسپارد و

۱- سنن ابن ماجه، شماره ۴۲۱۶، نگا: صحیح ابن ماجه، ۴۱۱/۲.

در پی اسباب سودمند برای دفع گرفتاری هم باشد و از خداوند طلب بخشش و تندرستی بنماید.

۱۶- تکیه و اعتماد بر خداوند همانا کسی که بر خداوند توکل نماید خیالات و توهمات بی اساس در وی تأثیر نمی کنند.

۱۷- هرگاه فرد به مصیبت و گرفتاری دچار گردد میان گرفتاری موجود و نعمت های موجود که خداوند به وی ارزانی داشته است مقارنه و تطبیق می نماید پی می برد که نعمت های موجود بیش از مصیبت های وارد شده است و بجای تفکر در امور منفی و احتمالات ضرر به افکار مثبت و امیدوار کننده روی آورد.

۱۸- بداند که اذیت و آزار مردم به او ضرری نمی رساند، خصوصاً در گفتار های ناشایست و بلکه ضرر متوجه گوینده آن می گردد لذا فکر و خیال خود را به ضرر احتمالی آن مشغول نکند.

۱۹- فکر خود را در آنچه که سود و نفع دینی و یا دنیوی به بار می آورد به کار بگیرد.

۲۰- انسان در برابر نیکی ها و خوبی هایی که برای دیگران انجام می دهد به دنبال تشکر و سپاس گذاری دیگران نباشد و بلکه آن را معامله میان خود و خدای خود بیندارد و به تشکر طرف مقابل توجه ننماید همانطور که قرآن می فرماید:

﴿إِنَّمَا نُنْطِمْكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ۝﴾ [الانسان: ۹].

«ما شما را به محض رضایت خداوند خوراک می دهیم و از شما پاداش و سپاس گذاری نمی خواهیم».

و این نوع معامله و عدم انتظار پاداش و سپاس گذاری در مورد خانواده و فرزند بیشتر مورد تأکید است.

۲۱- قرار دادن امور سودمند در برابر چشمان خود و مشغول ساختن ذهن در انجام و تحقق بخشیدن به آنها و عدم تفکر و خیال پردازی در کارهای بی فایده.

۲۲- انجام دادن اعمال کنونی، نینداختن کار امروز به فردا تا برای انجام کارهای آینده نیروی فکر و عمل لازم را داشته باشد.

۲۳- در انتخاب علوم و کارهای مفید، اول مهمترین آنها به ترتیب اهمیت آنها را انتخاب کند و خصوصاً آنچه را که رغبت بیشتری به آن داشته باشد و در انجام آن از خداوند استعانت ورزد و اگر مصلحت اقتضا نمود با دیگران به مشورت بپردازد و با توکل بر خداوند تصمیم نهایی را اتخاذ نماید.

۲۴- با زبان و قلب به بازگو کردن نعمت‌های مادی و معنوی و سپاس‌گزاری از آن نعمت‌ها بپردازد زیرا شناخت نعمت‌ها و تحدّث به آنها غم و اندوه را می‌زداید و بنده را بر شکر و سپاس ترغیب می‌نماید.

۲۵- در برخورد با همسر و خویشان و کسانی که به نحوی در زندگی با وی ارتباط دارند هرگاه از آنها عیب و ایرادی دید آن را با سایر خصایل نیک و اعمال خوب وی تطبیق نماید تا عیب وی جلب توجه ننماید و از خصلت نیک وی چشم‌پوشد با این نوع نگرش ادامه زندگی بیشتر تداوم می‌یابد و فرد از غم و اندوه رها می‌گردد و به شرح صدر نایل می‌آید، و از مسلم روایت است که پیامبر ﷺ فرموده است: «لا یفرک مؤمنٌ مؤمنةً إنّ کرهَ منها خلقاً رضی آخرٌ»^۱.

«هیچ مرد ایمان‌داری، زن ایمان‌داری را طرد و قطع رابطه ننماید اگر از بعضی اخلاق وی ناراضی بود، از اخلاق‌های دیگر وی راضی می‌گردد».

۲۶- دعا جهت اصلاح تمام امور و بزرگ‌ترین و برترین آنها عبارت است از: (اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَدُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَآخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَالْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ)^۲.

۱- مسلم، ۱۰۹۱/۳.

۲- مسلم، ۲۰۸۷/۴.

«خدایا! دینم را که سبب عصمت و نگهداری از لغزش‌هاست و دنیایم را که محل کسب معاشم می‌باشد و آخرتم را که برگشتم به آن است اصلاح گردان و هر خیری را در زندگی قرار ده و مرگ را از هر شر دیگری برایم آسان گردان و خدایا! رحمت تو را می‌طلبم و لحظه مرا به نفسم واگذار مکن و تمام کارهایم را اصلاح کن هیچ معبود به حقی جز تو نیست».

۲۷- جهاد در راه خداوند «جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، يُنَجِّي اللَّهُ بِهِ مِنَ الْهَمِّ وَالْغَمِّ». جهاد در راه خداوند بابی از ابواب بهشت می‌باشد خداوند به وسیله آن غم و اندوه را می‌زداید و این اسباب و وسایلی را که ذکر کردیم علاج سودمندی است برای بیماری‌های درونی و بزرگ‌ترین سبب معالجه قلق درونی است برای آنکه در آن‌ها تدبّر نماید و با صدق و اخلاص به آن‌ها عمل نماید و برخی از علما، بارها حالات درونی و بیماری‌های درونی را با آن معالجه نموده‌اند و از آن سود فراوان برده‌اند.^۱

۵- معالجه دمل و زخم

سُفیان انگشت اشاره‌اش را بر زمین گذاشت سپس آن را بلند کرد و گفت: به نام خدای خاک، زمین ما با آب دهان عده‌ای از ما، با اذن پروردگارمان سبب شفای بیمارانمان می‌گردد و پیامبر ﷺ هرگاه کسی اظهار درد می‌نمود و یا دمل و زخمی داشت به این عمل دستور می‌فرمود: ((بِسْمِ اللَّهِ، تُرْبَةُ أَرْضِنَا، بِرِيقَةٍ بَعْضِنَا، يُشْفَى بِهِ سَقِيمُنَا، بِإِذْنِ رَبِّنَا)) و حدیث به این معنی است که آب دهانش را بر انگشت اشاره می‌ریخت سپس آن را به خاک فرو می‌برد و با انگشتش خاک برمی‌داشت و آن را بر موضع زخم یا درد می‌مالید و در حال مالیدن موضع درد این دعا را می‌گفت.^۲

۱- مقدمة الوسائل المفيدة، چاپ پنجم، ص ۶.

۲- فتح الباری، ۲۰۶/۱۰ و مسلم، ۱۷۲۴/۴، شماره ۲۱۹۴.

۶- علاج و گرفتاری

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ ﴿٢٢﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ [الحديد: ۲۲، ۲۳].

«هیچ رخدادی در زمین به وقوع نمی‌پیوندد، یا به شما دست نمی‌دهد، مگر اینکه پیش از آفرینش زمین و خود شما در کتاب بزرگ و مهمی بوده است و این کار برای خدا ساده و آسان است* این بدان خاطر است که شما نه بر از دست دادن چیزی غم بخورید که از دست‌تان بدر رفته است، و نه شادمان بشوید. بر آنچه خدا به دست‌تان رسانده است، خداوند هیچ شخص متکبر فخرفروشی را دوست نمی‌دارد».

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ ﴿[التغابن: ۱۱]﴾

«هیچ واقعه و حادثه جز به فرمان و اجازه خدا رخ نمی‌دهد و هر کس که به خدا ایمان داشته باشد، خدا دل او را رهنمون می‌گرداند و خداوند از هر چیزی کاملاً آگاه است».

۱- هر بنده هنگام دچار شدن به گرفتاری بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجْرُنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا» خداوند در مصیبت وی را مآجور نموده است و بهتر از آن برای او خیر قرار داده است^۱.

۲- ((إِذَا مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: قَبَضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: قَبَضْتُمْ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: مَاذَا قَالَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: حَمْدَكَ وَاسْتَرجِعْ، فَيَقُولُ: ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَسَمُّوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ)).

«هرگاه فرزند بنده خدا بمیرد خداوند به فرشتگانش می‌فرماید آیا روح فرزند بنده مرا گرفتید؟ فرشتگان می‌گویند؟ آری، و خداوند می‌فرماید: روح جگرگوشه او را گرفتید؟ می‌گویند: آری و خداوند می‌فرماید: به بنده‌ام چه گفت؟ می‌گویند حمد تو را به جایی آورد

و طلب رجوع کرد «انا لله و...» پس خداوند می‌گوید برای بندهام در بهشت خانه بسازید و آن را بیت حمد بنامید»^۱.

۳- ((يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: مَا لِعَبْدِي الْمُؤْمِنِ عِنْدِي جَزَاءٌ إِذَا قَبَضْتُ صَفِيَّهُ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا ثُمَّ احْتَسَبَهُ إِلَّا الْجَنَّةَ)).

«خداوند می‌فرماید: هرگاه روح برترین و محبوب‌ترین اهل و خانواده بندهام را بگیرم و او به آن رضایت نماید جز بهشت برای او جایگاهی نیست»^۲.

۴- و پیامبر به مردی که پسرش مرده بود فرمود: «أَلَا تَحِبُّ أَنْ لَا تَأْتِيَ أَبَا مَنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَجَدَتْهُ يَنْتَظِرُكَ».

«آیا دوست نداری که به یکی از ابواب بهشت بیایید و بچهات را بیابید که در انتظار توست».

((يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي بِحَبِيبَتِيهِ فَصَبْرٍ [وَاحْتَسَبَ] عَوَظَتُهُ مِنْهُمَا الْجَنَّةَ)).

«هرگاه بندهام را به دو حبیبه‌اش (چشمانش) ابتلا کردم و او صبر نماید و [رضایت داشته باشد] به جای چشمانی که از او گرفته‌ام بهشت را به او می‌دهم»^۳.

۵- ((مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَدَى: مِنْ مَرَضٍ فَمَا سِوَاهُ إِلَّا حَطَّ اللَّهُ بِهِ سَيِّئَاتِهِ كَمَا تَحُطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا)).

«هر مسلمانی به بیماری یا چیز دیگری گرفتار آید [و شکوه ننماید] خداوند همچنان‌که درخت برگ‌های خود را می‌ریزد گناهان وی را از بین می‌برد».

۶- ((مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُشَاكُ شَوْكَةً فَمَا فَوْقَهَا إِلَّا كُتِبَتْ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ، وَحُيِّتْ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ)).

«هر مسلمانی اگر خاری به بدن وی فرو رود به وسیله آن برای وی درجه و ثوابی مکتوب می‌گردد و به سبب آن گناهی از او می‌زداید».

۱- ترمذی، صحیح الترمذی، ۲۹۸/۱.

۲- بخاری، مع فتح الباری، ۲۴۲/۱۱.

۳- بخاری مع فتح الباری، ۱۱۶/۱۰.

۷- ((مَا يُصِيبُ الْمُؤْمِنَ مِنْ وَصَبٍ، وَلَا نَصَبٍ، وَلَا سَقَمٍ، وَلَا حَزَنٍ، حَتَّىٰ اللَّهُمَّ يَهْمُهُ، إِلَّا كُفِّرَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِهِ)).

«خستگی و درد و بیماری و اندوه و حتی غصه که باعث دل‌تنگی او می‌شود هرگاه بر انسان مؤمن عارض گردد خداوند به سبب آن گناهان وی را پاک می‌گرداند».

۸- ((إِنَّ عِظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ عِظَمِ الْبَلَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ، فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا، وَمَنْ سَخِطَ فَلَهُ السَّخَطُ)).

«بزرگی جزا و پاداش به نسبت بزرگی بلا و آزمایش است و هرگاه خداوند بخواهد قومی را دوست بدارد آنان را ابتلا می‌نماید پس هر کس رضایت نشان داد رضایت خداوند برای وی حاصل گردد و هر کس اظهار نارضایتی نماید خشم خدا برای او حاصل می‌گردد».

۲- درمان غصه و اندوه

۱- هرگاه بنده به غصه و اندوه گرفتار آید و دعای (زیر را) بخواند خداوند حزن و غصه را از دل او زدوده و به جای آن مسرت و شادی به وی عطا نماید: ((اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْذَنْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رِبِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي)).

«خدایا من بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو پیشانیم در دست قدرت توست حکم تو در باره من قطعی و قضاوتت در مورد من عادلانه است و تو را به هر نامی که خود را به آن خوانده‌ای و یا در کتابت نازل کرده‌ای و به هر کدام از بندگان قرا داده‌ای و در علم غیب نزد خود گذاشته‌ای از تو می‌خواهم که قرآن را بهار دلم گردانی و آن را نور سینه‌ام و سبب زدودن حزن و اندوهم گردانی»^۱.

۱- احمد، ۳۹۱/۱ و آلبانی آن را صحیح دانسته است.

۲- ((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ)).

«خدایا من از غصه و اندوه و ناتوانی و ضعف و بخل‌ورزی و ترسویی و کجی در دین و چیره شدن مردان بر خود به تو پناه می‌آورم».^۱

۸- درمان سختی و فشار

۱- ((لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ)).

«معبود به حقی جز خداوند بزرگ، بردبار نیست، معبودی جز خداوند پروردگار عرش، والا نیست، معبودی جز خداوند پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار عرش والا و عالی مرتبه نیست».^۲

۲- ((اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو، فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، ((لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ)).

«خدایا به رحمت تو امیدوارم لحظه مرا به نفسم وامگذار و تمام حالاتم را اصلاح نما معبود بحقی، جز تو نیست».^۳

۳- ((لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)).

«معبود به حقی جز تو نیست، منزّه و پاکی و من از ستمکارانم».^۴

۴- ((اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا)).

«خداوند پروردگارم است و برای او انبازی قرار نمی‌دهم».^۵

۱- بخاری، ۱۵۸/۷، پیامبر این دعا را زیاد تکرار می‌کرد، نگاه: فتح الباری، ۱۷۳/۱۱.

۲- بخاری، ۱۵۴/۷ و مسلم، ۲۰۹۲/۴.

۳- ابوداود، ۳۲۴/۴ و احمد، ۴۲/۵، آلبانی و عبدالقادر ارنؤوط آن را صحیح دانسته‌اند.

۴- ترمذی، ۵۲۹/۵ و حاکم و ذهبی، ۵۰۵/۱، نگاه: صحیح الترمذی، ۱۶۸/۳.

۵- ابوداود، ۸۷/۲، نگاه: ابن ماجه، ۳۳۵/۲.

۹- درمان و معالجه مریض برای خود

«بر روی قسمتی که درد و الم دارد دست بگذارید و بگو: «بسم الله» (سه بار) و هفت بار بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ»^۱.

۱۰- هر مسلمانی که به عیادت مریض برود

و او نمرده باشد و هفت بار بگوید: از خداوند بزرگ می‌خواهم تو را شفا دهد، تندرست می‌گردد.

۱۱- معالجه: اضطراب و هراس در خواب

((أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونِ)).

«از خشم و عذاب خداوند و شر بندگان او و از وسوسه‌ها و تحریکات شیاطین و از اینکه نزد من حضور یابند به کلمات تامّه خداوند پناه می‌برم».

۱۲- معالجه تب

از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمود: «الْحُمَّى مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ فَأَبْرِدُوهَا بِالْمَاءِ»^۲. «تب از گرمای جهنم است آن را با آب سرد خنک نمائید».

۱۳- معالجه گزیدن و نیش زدن

۱- خواندن سوره حمد همراه با جمع نمودن بزاق دهان و بر روی محل نیش تف می‌گردد.^۳

۱- مسلم، ۱۷۲۸/۴.

۲- ابوداود، ۱۲/۴، و نگاه: صحیح الترمذی، ۱۷۱/۳.

۳- فتح الباری، ۱۰، ۱۷۴، و مسلم، ۱۷۳۳/۴.

۲- خواندن سوره کافرون و مُعَوِّذَتَین با آب و نمک بر روی محل گزیده شده مالش داده می شود.^۱

۱۴- معالجه غضب و خشم

درمان غضب و عصبانیت به دو صورت انجام می گیرد.

طریق اول: پیشگیری

با اجتناب از اسباب غضب می توان از آن پیشگیری نمود.

این اسباب عبارتند از: کبر و غرور، خودبزرگ بینی، فخرفروشی، طمع ناروا، شوخی بی مناسبت، مسخره و مزاح و امثال این ها.

طریق دوم: علاج غضب در هنگام وجود آن

در چهار نوع خلاصه و محدود می گردد:

۱- پناه جستن به خداوند از شیطان رانده شده.

۲- وضوء گرفتن.

۳- تغییر حالت و موقعیتی که فرد خشمگین بر آن قرار گرفته است. مثلاً با نشستن و یا دراز کشیدن و یا بیرون رفتن و یا با قطع کردن سخن حالت خود را تغییر دهد.

۴- آنچه را که در باره ثواب و جزای خشم فرو خوردن در متون دینی آمده است و آنچه را که در باره عذاب و خواری خشم آمده است به یاد بیاورد.^۲

۱۵- معالجه با سیاه دانه

پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ فِي الْحَبَّةِ السَّوْدَاءِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، إِلَّا السَّامَ».

«در سیاه دانه، شفا و بهبودی هر درد و بیماری نهفته است جز مرگ».

۱- طبرانی در صحیح الصغیر، ۸۳۰/۲، نگاه: مجمع الزوائد، ۱۱۱/۵.

۲- آفات اللسان، ص ۱۱۰-۱۱۲، و الحکمة فی الدعوة إلى الله، ص ۶۴-۶۶، از نویسنده.

۱۶- معالجه با عسل

۱- خداوند در قرآن درباره زنبور عسل می‌فرماید:

﴿يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۶۹، ۶۸].

«از درون زنبورها عسل، مایعی بیرون می‌تراود که رنگ‌های مختلفی دارد که در این بهبودی مردمان نهفته است».

و از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرموده است:

«الشِّفَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي شَرْطَةِ مُحْجَمٍ، أَوْ شَرْبَةِ عَسَلٍ، أَوْ كَيْتَةِ بِنَارٍ، وَأَنَا أَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الْكَيْ»^۱.

«در سه چیز شفاء و بهبودی یافت می‌گردد؛ در خون گرفتن با حجامت، عسل، داغ کردن با آتش، و من اتمم را از داغ نمودن نهی می‌نمایم».

۱۷- معالجه با آب زمزم

۱- از پیامبر ﷺ روایت گردیده است که در باره آب زمزم فرموده است: ((إِنَّهَا مُبَارَكَةٌ، إِنَّهَا طَعَامٌ طُعِمَ [وَشِفَاءٌ سُقِمَ])).

«آب زمزم مبارک است همانا آن خوراک خوشمزه و شفای بیمار است»^۲.

۲- حدیث جابر «مَاءُ زَمْزَمَ، لِمَا شَرِبَ لَهُ» - به نیت و قصدی که نوشیده شده است به نوشنده آن فایده می‌رساند.

۳- پیامبر ﷺ آب زمزم را در مشک‌ها حمل می‌کرد و بر روی بیماران می‌ریخت و به آنان می‌نوشاند و ابن القیم رحمه الله می‌گوید: من و غیر من از استشفاء به آب زمزم،

۱- فتح الباری، ۱۳۷/۱۰، نگاه: در فوائد عسل، زادالمعاد، ۵۰/۴-۶۲.

۲- مسلم، ۱۹۲۲/۴، مجمع‌الزوائد، ۲۸۶/۳.

امور شگفتی را تجربه کرده‌ایم و از چند مرض به وسیله آن شفا جستیم و به اذن خداوند بهبود یافتیم.

۱۸- مداوا و معالجه بیماری‌های قلب

قلب سه نوع می‌باشد:

۱- قلب سلیم: قلبی است که در قیامت سبب نجات صاحبش می‌گردد:

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾﴾ [الشعراء : ۸۸، ۸۹].

«آن روزی که اموال و فرزندان سودی نمی‌رسانند* بلکه تنها کسی که با دلی سالم به پیشگاه خدا آمده باشد».

قلب سلیم قلبی است که از هر شهوت و آرزوی مخالف با امر و نهی خدا و از هر شبهه که با گفتار خداوند تعارض داشته باشد سالم و به دور باشد از عبودیت ماسوای او و از پذیرش حکمی جز حکم رسول او محفوظ و بدور باشد. و خلاصه اینکه در آن هیچ شریک غیرخدایی نباشد و بلکه از لحاظ عبودیت مانند محبت، توکل، انابه، تواضع، خوف و امید، برای خداوند خالص گردیده باشد حب و بغض و عطاء وضع وی برای خداوند باشد و جسم او کردار او و خواب و بیداری او سخن گفتن او و حرف زدن او برای خدا باشد و افکار وی بر حول خداوند و رضایت او بچرخد^۱، از خداوند متعال چنین قلبی را خواستاریم.

۲- قلب میّت: برعکس قلب سلیم است و آن قلبی است که پروردگار خویش را نمی‌شناسد و بر اساس امر و حب و رضایت خداوند عبادت نمی‌نماید و بلکه با آرزو و شهوات خود در برابر خداوند ایستاده است و برای غیر خداوند پرستش می‌نماید و حب و خوف و امیدش برای غیر خداست و اگر دوست بدارد برای

۱- نکا: إغاثة اللفهان من مصائد الشيطان، ابن القيم الجوزية، ۷/۱ و ۷۳.

آرزو و هوای نفسانی خود می‌باشد و بغض و عطاء و منع وی برای هوای نفسانی است و هوی و آرزو پیشرو و قائد وی می‌باشند و سوق دهنده وی به سوی انجام عمل جهل است و مرکب وی غفلت است، از این نوع قلب به خداوند پناه می‌بریم.

۳- قلب مریض: قلبی است که دارای حیات است و از آن طرف نیز بیمار است و دو چیز هر کدام به نوبه خود او را به طرف خویش می‌کشانند، از طرفی محبت خدا و ایمان و اخلاص و توکل بر خداوند در آن یافت می‌شود و آن هم ماده حیات آن است و از طرف دیگر محبت شهوات حسد و غرور و خودبزرگ بینی نفاق و ریا و بخل را داراست و آن ماده و عامل هلاک و ضایع شدن آنست.

قرآن علاج قلب از تمامی بیماری‌ها را بیان کرده است، و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [یونس: ۵۷].

«ای مردم! به راستی که برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد، و شفایی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان است».

﴿وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ [الاسراء: ۸۲]

«و از قرآن آنچه را که شفا و رحمت برای مؤمنان است؛ نازل می‌کنیم، و ستمکاران را جز زیان نمی‌افزاید».

بیماری‌های قلب دو نوع می‌باشد:

نوعی صاحب آن اکنون احساس درد و رنج نمی‌نماید و آن عبارتند از وجود جهل، شبهات، تردید و شک، و این بزرگ‌ترین نوع درد است اما به سبب فساد قلب احساس نمی‌شود.

و نوع دیگر آن مرض است که فی الحال دردآور است مانند غصه، اندوه، خشم، و این

بیماری با داروهای طبیعی نیز از بین می‌رود.

و علاج قلب به چهار صورت انجام می‌گیرد:

۱- به وسیله قرآن کریم؛ چون قرآن شفاء و بهبودبخش است برای آنچه که در درون می‌باشد و انواع شرک و چرک کفر و امراض شهوات را می‌زداید و قرآن برای کسی که از حق شناخت پیدا کرده باشد و بدان عمل نماید راهنماست و کسانی که هم به آن دست می‌یابند مایه رحمت دنیوی و اخروی آن‌ها می‌گردد:

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا﴾ [الأنعام: ۱۲۲].

«آیا کسی که مرده بوده است و ما او را زنده کرده‌ایم و نوری را فرا روی او قرار داده‌ایم که در پرتو آن، میان مردم راه می‌رود آیا مانند کسی که به مثل گویی در تاریکی‌ها فرو رفته است».

۲- قلب به سه چیز نیازمند است:

الف) آنچه نیرو و توان او را حفظ نماید و آن هم عبارت است از؛ ایمان و عمل صالح و انجام اقسام عبادات.
ب) پیشگیری از عوامل مضرّ و آن هم نیز با اجتناب از معاصی و انواع مخالفت با قانون خداوند انجام می‌گیرد.
ج) خود را تخلیه نمودن از اخلاق و خصوصیات فاسده و آن نیز با توبه و استغفار حاصل گردد.

۳- علاج بیماری قلب از چیره شدن نفس بر آن: دارای دو علاج است یکی؛ محاسبه و حساب‌رسی نفس، دوم؛ مخالفت با آن و محاسبه نیز دو نوع است:

الف) نوعی از محاسبه قبل از انجام عمل است و آن هم دارای چهار قسم است:

۱- آیا این عمل بر او مقدور و ممکن است؟

۲- آیا انجام این عمل از ترک آن بهتر است؟

- ۳- آیا هدف از انجام این کار رضایت خداوند است؟
- ۴- آیا در این عمل کسی او را یاری و نصرت می‌نماید اگر چنانچه نیاز به یاری و کمک دیگران بود؟ اگر جواب سؤال‌های فوق مثبت بودند فرد خود را بر انجام آن‌ها اقدام نماید و در غیر این صورت نباید به انجام آن‌ها بپردازد.
- ب) نوع دیگر از معالجه قلب از چیره شدن نفس بر آن بعد از انجام عمل درمان می‌گردد و به سه طریق انجام می‌پذیرد:
- ۱- محاسبه و حساب‌رسی نفس بر طاعت و رعایت حق الله که در آن قصور ورزیده و به نحو مطلوب آن را انجام نداده باشد و حقوق خداوند عبارتند از: اخلاص، متابعه، شکر نعمت، درک احسان و نیکویی، و ...
- ۲- محاسبه نفس بر هر کرداری که ترک آن از انجام آن بهتر باشد.
- ۳- محاسبه نفس بر امر مباح و یا معمولی که آن را انجام نداده باشد و آیا هدف از ترک آن خدا و قیامت بوده است تا بهره‌مند گردد یا هدف وی در ترک آن دنیوی بوده است و ضررمند گردد.
- خلاصه اینکه نفس خود را بر انجام فرائض محاسبه نماید و اگر در آن قصور ورزیده است آن را کامل گرداند، و بعد از آن بر ترک مناهای نفس خود محاسبه نماید و اگر مرتکب گناه شده است با توبه و استغفار آن را جبران نماید و سپس نفس را بر آنچه که با جوارح انجام داده محاسبه نماید و در آخر آن را بر غفلت محاسبه نماید^۱.
- ۴- درمان و معالجه بیماری قلب از استیلای شیطان بر آن: شیطان دشمن انسان است و جدایی از او با استعاذه که خداوند مشروع نموده است ممکن می‌گردد و

۱- إغاثة اللفهان، ابن قیم الجوزية، ۱/۱۳۱.

پیامبر ﷺ در روایت زیر استعاذه از شر نفس و شر شیطان را کنار هم و با هم جمع نموده است، و به ابوبکر صدیق می‌فرماید: ((قُلْ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَهٖ، وَأَنْ أَفْتَرِفَ عَلَى نَفْسِي - سُوءًا، أَوْ أَجْرَهُ إِلَى مُسْلِمٍ، قُلْهُ إِذَا أَصْبَحْتَ، وَإِذَا أَمْسَيْتَ، وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ)).

«بگو خدایا ای خالق آسمان‌ها و زمین، ای آگاه به غیب و شهادت، ای پروردگار و مالک تمام اشیاء، گواهی می‌دهم که معبود بحق جز تو نیست، از شر نفسم و از شر شیطان و شرک او و اینکه بر نفس خود دچار بدی گردم و یا به مسلمانی بدی وارد نمایم به تو پناه می‌آورم. این دعا را هنگام صبح و شب و هرگاه به رختخواب رفتی بگوید»^۱.

استعاذه، توکل، اخلاص از چیره شدن شیطان ممانعت می‌نمایند^۲.

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله محمد وعلی آله و أصحابه أجمعین

ومن تبعهم بإحسانٍ إلى يوم الدين

۱- ترمذی و ابوداود، نگا: صحیح الترمذی، ۱۴۲/۳.

۲- إغاثة اللفهان، ۱۴۵/۱-۱۶۲.